



صف بندی طبقاتی در ایران

مبارزه میان دو طبقه: سرمایه دار و کارگر

از نامه های رسیده

رو به جنبش های توده ای مبارزه کنیم

نقش منصور حکمت در جنبش کمونیستی (۷) قتل رومینا جنایتی دیگر علیه جنبش زنان

صفحه آخر

اکنون وقایع آمریکا

صفحه آخر

### خصوصی سازی

مدتی است که دولت جمهوری اسلامی مجدداً بحث خصوصی سازی و محسنات آنرا به یک جریان تبلیغاتی به رسانه‌ها کشانده است. با اینکه برخی از مسئولین و اتاق های فکر رژیم اسلامی؛ شکست خصوصی سازی جهت رشد و توسعه اقتصادی را بارها متذکر شده اند ولی رژیم اسلامی مصرانه بر آن پای می کوبد. چه منفعی در پشت خصوصی سازی جریان دارد که اجازه توقف آنرا نمی دهد. ما سعی می کنیم به گوشه هایی از آن پردازیم

اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی، اقتصاد ایران را به سه دسته تعاونی؛ دولتی و خصوصی تقسیم کرده است. بعد از مدتها کشمکش بر سر این اصل، خامنه یی تحت ابلاغیه ای در سال ۱۳۸۵ واگذاری بخش های بزرگی از واحدهای اقتصادی دولتی به بخش خصوصی ( از جمله واگذاری سهام و دارایی بنگاه ها و...) را بدون اشکال و قابل اجرا خوانده است. او با این نامه عملاً خصوصی

سازی در ایران را تشویق کرده و آنرا برای توسعه و رشد اقتصادی مفید قلمداد کرده است. در این راستا سازمان خصوصی سازی شکل گرفت که امر واگذاری بخش های مهم دولتی به بخش خصوصی را در حیطه اختیارات و قدرت اجرایی خود گرفته است.

در طول اجرای برنامه سوم توسعه، سازمان خصوصی سازی به موجب ماده (۱۵) این برنامه و با تغییر اساسنامه سازمان مالی گسترش مالکیت واحدهای تولیدی، تشکیل گردید. سازمان خصوصی سازی یک شرکت سهامی دولتی وابسته به وزارت امور اقتصادی و دارایی و دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است و رئیس کل آن معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی می باشد. در حال حاضر مرکز این سازمان در تهران است و در سایر استان های کشور دفتر و یا نمایندگی ندارد. (سایت خصوصی سازی)

صفحه ۲

### پیروز باد اعتصاب کارگران هفت تپه

از بیست و ششم خردادماه با ر دیگر کارگران هفت تپه برای گرفتن حقوق خود مجبور شدند دست از کار بکشند. در همه جای دنیا دولت ها در این ماه های حمله و ویروس کرونا بنوعی هرچقدر هم ناچیز کمک خرجی میدهند در ایران حتی حقوق ناچیز کارگران را سرمایه داران نمی دهند.

کارگران هفت تپه قبل از دست زدن به اعتصاب خواست های پنج گانه خود را اعلام کردند:

یکم - پرداخت فوری حقوق معوقه

دوم - کوتاه کردن دست بخش خصوصی از هفت تپه

سوم - ثروت های اختلاس شده باید به کارگران برگردانده شود

چهارم - کارگران اخراجی باید به کار برگردند

پنجم - بازداشت و مجازات اسد بیگی - رستمی

صفحه ۴

### قیام علیه سرکوبگران بر حق است

نظامی که خشت اولش را جنایت کاران با معماری حاکمان فئودال اروپایی گذاشتند، توده های وسیع مردم افریقا را شکار کردند و یوغ بردگی زدند این نظام مردم بومی آمریکا را مهر توحش زد، قتل عام کرد و زیر پرچم مسیحیت سفید پوست، تمدن نوینی را مستقر ساخت.

همین نظام از صد سال گذشته به هیولا امپریالیستی چپاولگر و پر توحشی جهت سرکردگی بر جهان تبدیل شده است

این نظام دستان توانای کارگران و اندیشه یی پر بار دانشمندان را نه برای بهبود زندگی اکثریت عظیم مردم، بلکه در خدمت مشتی کوچک سرمایه داران زالو صفت به اسارت گرفته و میلیونها نیروی سرکوبگر تا دندان مسلح را برای ادامه سلطه ی غارتگرانه اش سازمان داده است.

امروز توده ها در بیش از سی شهر بزرگ آمریکا

صفحه ۵

### دین ابزار طبقات ستمگر و استثمارگر

اهمیتی نیست. لذا هر قشر و طبقه ی ارتجاعی می تواند آن را به کار برد و یا داخل آن گردد. حال می پردازیم به مسأله دولت و دین.

ما همه قبول داریم که جامعه ایران یک جامعه سرمایه داری ست. این جامعه سرمایه داری دارای دولتی به نام رژیم جمهوری اسلامی است. به بیان دیگر این رژیم بر مبنای عمل کرد حدود ۴۰ ساله اش و بر مبنای تئوری مارکسیستی، دولت سرمایه داری یعنی نمایندگی و چماق طبقه سرمایه دار ایران علیه طبقه کارگر، دیگر زحمتکشان و کلیه آزادیخواهان جامعه است.

بر اساس واقعیات ملموس تاریخ ایران و جهان و وقایع روزمره، حاکمیت هر طبقه ای در جامعه توسط دولت آن طبقه می تواند تضمین گردد. در نتیجه وقتی ما می گوئیم جامعه ایران سرمایه داری ست، یعنی سرمایه داری حاکم است،

صفحه ۳

برای ورود به بحث در درجه اول لازم است که ما تعریف قابل قبولی از دین ارائه دهیم. این تعریف توسط امیل دورکیم، جامعه شناس معروف فرانسوی فرموله شده است: «دین عبارت است از دستگامی همبسته از باورها و اعمال مربوط به امور لاهوتی یعنی مجزا [از امور ناسوتی]، متنوع؛ این باورها و اعمال همه کسانی را که پیرو آن ها هستند در یک اجتماع اخلاقی واحد به نام کلیسا [امت] متحد می کنند.»

بر مبنای این تعریف، دین عبارت است از ۱- باورهای همبسته ۲- اعمال مربوط به جهان تجریدی (ماوراءالطبیعه)، ۳- باور به حرام و حلال، ۴- محل عبادت.

در این تعریف کامل، محل تولد دین، ساختار اجتماعی که در آن تولد یافته و غیره دارای هیچ

۱ - امیل دورکیم - صور بنیانی حیات دینی - ترجمه باقر پرهام - انتشارات مرکز - صفحه ۶۳



خصوصی سازی... بقیه از صفحه ۱

این سازمان با ایجاد سهام عدالت و فروش سهام آن و پول‌هایی که از فروش منابع دولتی به بخش خصوصی وایز می‌گردد، خود به سرمایه‌گذاری در امر خریدها از دولت شرکت می‌کند و با کنترل سهام عدالت به منابع مالی هنگفتی دسترسی دارد. اما این تنها چهره علنی این خصوصی سازی است که اتفاقاً در اکثر کشورهای جهان در حال اجرا است و دولت‌های بزرگ و کوچک امپریالیستی و پیرامونی با شدت و حدت در حال فروش منابع و ثروت‌های طبیعی و غیر طبیعی و اجتماعی تحت عنوان خصوصی سازی و رشد و توسعه اقتصادی و بدین طریق "فرار از بحران"، هستند. اکثر قریب به اتفاق مردم اعم از مزد بگیران تا صاحبان موسسات کوچک می‌پرسند یک چنین شتابی برای فروش صنایع پایه‌ای و متعلق به عموم مردم توسط دولت به بخش خصوصی ناشی از چیست؟ برای روشن‌تر نشان دادن قضیه خصوصی سازی ما روند یک دادگاه در رژیم اسلامی را پی می‌گیریم .

در تاریخ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۹ مدیر عامل نیشکر هفت تپه محاکمه شد. در دادگاه معلوم شد که وقتی سازمان خصوصی‌سازی در سال ۲۰۱۶، صد در صد سهام شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه را در فرآیندی پر حرف و حدیث به دو جوان ۲۸ و ۳۱ ساله واگذار کرد، اسدیگی و یک شخص دیگر همان کسانی بودند که فقط با ۶ میلیارد تومان پیش‌پرداخت، مالک شرکتی شدند که تنها یک قلم از دارایی‌های آن، ۲۴ هزار هکتار زمین مرغوب بود. (سایت العربیه)

نماینده دادستان تهران در ششمین جلسه دادگاه رسیدگی به پرونده «اختلاس سه هزار میلیارد تومانی»، برخی از نمایندگان مجلس، بازنشستگان قضایی - امنیتی، اطلاعاتی، سازمان خصوصی سازی و مدیران بانک‌ها را متهم کرد که در این اختلاس دست داشته‌اند. (سایت رادیو فردا ۷ خرداد ۱۳۹۹).

متهم پرونده پتروشیمی گفت: فروش ارز قبل از خصوصی‌سازی هم وجود داشت ولی دستوراتی به صورت استثناء می‌دادند. مثلاً در سال ۱۳۸۰ چند میلیارد [ین واحد پول چین] یا چند میلیون یورو فروختیم. (خبرگزاری تسنیم ۴ اردیبهشت ۱۳۹۹).

شرکت هیکو که فقط در انبارهایش ۲۸۰ میلیارد تومان محصول آماده داشته، به ۷۰ میلیارد تومان فروخته شده است.

البته با جستجو در بین اخبار و روزنامه‌ها و مدیاهای حکومتی و غیر حکومتی خبرهایی از این دست فراوان است. این روندی است که از سیاست‌های بانک جهانی در چند دهه پیش سرچشمه گرفته و با سیاست‌های نئولیبرالی هاشمی رفسنجانی در بعد از جنگ ایران و عراق تحت عنوان بازسازی اقتصاد، در ایران پیاده شده است. خصوصی سازی به مفهوم سپردن منابع دولتی اعم از صنایع، بانک‌ها، خدمات اجتماعی و منابع طبیعی مانند معادن و غیره به افراد و شرکت‌های خصوصی جهت سود آوری این

واحدها و براه انداختن چرخ تولید است اما در عمل دست شرکت‌های بزرگ سرمایه داری را در غارت و چاپیدن منابع ملی و عمومی مردم. باز می‌گذارد.

با روندی که در ایران جریان دارد اکثر شرکت‌ها و سرمایه‌داران خصوصی که در مزایده و مناقصه‌های دولتی برای خرید این واحدها و منابع دولتی (عمومی) شرکت می‌کنند از خودی‌ها و عمدتاً آقازاده‌ها و وابستگان نزدیک به آنان هستند. در انتقال شرکت‌ها و مؤسسات دولتی به بخش خصوصی، میلیاردها دلار با زد و بند و اختلاس به جیب بخش خصوصی ریخته شده است. بسیاری از کسانی که این کارگاه‌ها و کارخانجات و موسسات اقتصادی را می‌خرند بعداً با فروش آنها و نیز دریافت وام‌های هنگفت و طولانی مدت؛ سرمایه را به کانال‌های تجاری انداخته و شرکت‌های (تجاری - قاچاق) را در ایران بوجود می‌آورند نتیجه این دزدی‌ها پیدا شدن کسانی مانند سلطان شکر؛ سلطان آهن؛ سلطان سکه و غیره است.

مسئله خصوصی سازی فقط در حیطه تبادلات اقتصادی نمی‌ماند و خود را در بخش‌های سیاست و سازماندهی ارگانیک دولتی و بخش خصوصی و غیره نشان می‌دهد در اقتصاد سیاسی چرخش به طرف تجارت و رانت خواری است. علیرغم تلاش جمهوری اسلامی در این دوره اخیر این است که صنعت را تقویت کند تا بتواند جای کمبود نفت را بگیرد و کالاهای تحریم شده را در داخل کشور تولید کند. این امر را نه بر مبنای منافع مردم بلکه بر مبنای خطری که از جانب مردم تهدیدش می‌کند و برای حفظ خودش باید انجام دهد .

بهمین جهت هم این روزها "دزدهای تجاری را رو میکنند". در عین اینکه مهم ترین تاثیر سیاست خصوصی سازی بر زندگی فقیرترین بخش‌های جامعه و از بین رفتن حمایت‌های اجتماعی است. بخش‌هایی که این روزها در حال خصوصی شدن هستند بیشتر در بخش آموزش، بهداشت؛ ارتباطات، صنعت و معادن؛ تحقیقات و خدماتی و صنایع کشاورزی. تا پالایشگاه‌ها، شرکت‌های پتروشیمی و شرکت‌های معدنی می‌باشند. خصوصی سازی در سطح جهانی دارای نتایج مخربی در اقتصاد این کشورها و باعث مقروض شدن اکثر آنها به بانک‌های بزرگ جهانی شده‌اند. بعلافت ضعف رقابتی در کشورهای ضعیف جهان، خصوصی سازی در این کشورها به بستن و عدم حمایت از واحدهای تولیدی و ناشی از آن ضعف مفرط تولیدات داخلی، انجامیده تجارت خارجی را عمدتاً برای واردات تقویت مینماید. سود های هنگفت حاصل از این امر، به صورت ثروت در بانک‌های کشورهای متروپل پس انداز شده و به خالی شدن ثروت کشورهای جهان سوم می‌انجامد. این روند در کشورهای امپریالیستی

و معظم سرمایه داری به آزاد شدن دست شرکت های فراملی برای پرواز در بازارهای جهانی و فرار از مالیات و محدودیت‌های مالی منجر شده است. در واقع خصوصی سازی برای سرمایه بزرگ؛ غارت کشورهای فقیر و وام دار کردن آنها به نهادهای مالی بین المللی و از سوی دیگر فرو کردن چنگال اقتصادهای بزرگ در شاهرگ کشورهای کوچک را به ارمغان آورده است

محصولات بسیاری از این بخش‌ها قبلاً در حیطه مالکیت دولتی و با بودجه‌های مناسب و قیمت‌های ارزان به جامعه عرضه می‌شدند. با خصوصی سازی این بخش‌ها، صاحبان جدید برای کسب درآمد و سود بیشتر، تا آنجا که میتوانند حقوق و مزایای کارگران و کارکنان را کم می‌کنند و اغلب نیز همان حقوق نیمه را ماه‌ها و سال‌ها نمی‌پردازند تا عرصه سودآوری را بالا ببرند. این امر به بیکاری عمومی جامعه دامن می‌زند. آنها از طرف دیگر برای رقابتی شدن کالاهای خود به دنبال شرایط و مناطق ارزانتر برای سرمایه گذاری و انتقال سرمایه به مکان‌های بهتر می‌گردند. در این میانه واحدهای قبلی بسته و یا به تعطیلی کشیده شده و منابع مالی آن به حراج مجدد گذاشته می‌شود. به قول معروف از یک گاو دو پوست می‌کنند. آمار زیر مقدار سرمایه ای است که از بخش دولتی به بخش خصوصی منتقل شده است.

مقایسه رقم‌های بودجه ۱۳۷۰ با لایحه بودجه ۱۳۹۹

بودجه شرکت‌های دولتی در سه دهه هفت برابر شده است			
میزان رشد	لایحه ۱۳۹۹ برحسب هزار میلیارد تومان	بودجه ۱۳۷۰ به ارزش آذر ۱۳۹۸ برحسب هزار میلیارد تومان	۱۳۷۰ محاسبه رشد بر اساس گذشته
۴۹٪	۱,۹۸۹	۳۳۶	۲۰
۶۴٪	۱,۴۸۴	۲۰۱	۱۰۲
۲۳۵٪	۴۸۵	۱۴۵	۰۹

منبع: قانون بودجه ۱۳۷۰ و لایحه بودجه ۱۳۹۹

آمار بالا نشان می‌دهد در عین اینکه اقتصاد ایران بزرگ شده است. اما بخش دولتی همچنان از نرخ بالاتری برخوردار است یعنی بازم این دولت هست که توسط شرکت‌های خصوصی دوشیده می‌شود. خصوصی سازی نتوانسته بودجه شرکت‌های دولتی را پائین بیاورد. در اینجا در هم تنیدگی بخش خصوصی و دولتی با ارجحیت بودجه برای شرکت‌های دولتی و سرمایه بانکی برای بخش خصوصی روشن تر خود را نشان می‌دهد.

ظاهراً دولت سرمایه‌داری بخش‌های غیر سود دهی خود را می‌فروشد تا توسط بخش خصوصی راه اندازی و قادر به پرداخت مالیات به دولت شود. اما در ایران برای اجرای این سیاست دولت‌ها و یا نهادهای اقتصادی و مالی و شرکت های وابسته اعلام ورشکستگی می‌کنند که فروش

۱ - رقم‌های بودجه سال ۱۳۷۰ با استفاده از محاسبه‌گر تورم مرکز آمار ایران براساس تورم تعدیل شده و معادل ریالی آن (قدرت خرید) در آذر ۱۳۹۸ محاسبه شده است



های اخیر ما شاهد مقاومت و مبارزه سرسختانه جنبش کارگری در هفت تپه و هیکو علیه خصوصی سازی هستیم خصوصی کردن واحدهای تولیدی باعث شده است که دولت دیگر جوابگوی رسمی احجافات و عقب افتادن حقوقها و بیمه‌های اجتماعی نباشد و خود را از هدف تهاجم مبارزات کارگران برای رسیدن به خواست‌هایشان دور نگه دارد. ولی بعلت این که رژیم جمهوری اسلامی خود نماینده کل منافع بورژوازی در ایران است؛ نهادهای وابسته مانند شورای عالی کار؛ اداره کار و امور اجتماعی؛ سازمان خدمات اجتماعی؛ استانداری‌های مناطق، دادگاه‌ها و نیروهای امنیتی همیشه به نفع مدیران کارخانه‌ها وارد عمل شده و فعالین کارگری در بند و زندان قرار گیرند. این مبارزه ای علیه کل سیستم سرمایه داری که با اصلاحات در نظام سرمایه داری نمی توان آنرا تعدیل کرد.

برنامه کمونیست‌ها در مبارزه علیه خصوصی سازی و مبارزه برای تهیه قانون کار توسط کارگران آگاه از جمله شامل خواستهای فوق در این زمینه می باشد،

خصوصی سازی و آزاد کردن دست سرمایه داری برای برداشتن موانع جهت سود بیشتر جزء خصلت ذاتی سرمایه داری است. در نتیجه برای اینکه خصوصی سازی یک باره و برای همیشه از جامعه رخت برنندد و منابع و کارخانجات و موسسات تولیدی جامعه در خدمت تولید کنندگان واقعی آن قرار بگیرد، بایستی سیستم سرمایه داری از بین برود و مالکیت بر وسایل تولید در جامعه به مالکیت اجتماعی توسط طبقه کارگر و دولت منبعث از آن قرار گیرد. از بین بردن دولت سرمایه داری در ایران یعنی رژیم جمهوری اسلامی با هدف روشن ایجاد دولت سوسیالیستی اولین قدم در این مبارزه می باشد.

مهران پیامی ۶،۲۰۲۰

اجتماعی؛ اخراج‌های دسته جمعی؛ از بین رفتن حقوق شهروندی حتی در چهارچوب نظام بورژوازی؛ از بین رفتن امنیت مالی و کاهش شدید پس اندازها؛ و مقروض شدن هر چه بیشتر مردم به بانک‌ها و شرکت‌های سرمایه‌داری است. خصوصی سازی، دولت متعهد به دادن خدمات اجتماعی به افراد جامعه را به دولتی مالیات بگیر از شرکت‌های خصوصی تبدیل می‌کند که حاضر است بسیاری از قوانین آنها را برای کسب مالیات بیشتر و عقب راندن کل وظایف اجتماعی بپذیرد. آمار نشان می دهد که اکثر شرکت‌های دانش بنیان که از طریق ارتباطات دانشگاهی و صنعتی و نظامی شکل می‌گیرند، آنهم به دلیل حساسیت امنیتی‌شان قادر به شرکت در این نوع خصوصی سازی‌های بی درو پیکر نیستند. اگر نگوئیم که تمامی بلکه اکثر مدیران دولتی و تعداد زیادی از مدیران موسسات اقتصادی در یک دایره مافیایی، زد و بند، رشوه و رانت خواری، سند سازی و غیره بکار مشغول هستند. بخش زیادی از آنها با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نهادهای نظامی، شورای نگهبان و ..... ارتباطات تنگاتنگ فامیلی داشته و در واقع سرمایه دولتی و بخش خصوصی در این دایره منحوس مناسبات خود را تنظیم می‌کنند. وقتی معلوم می شود که مدیر یک کارخانه میلیاردها تومان از حقوق کارگران را در بازار ارز سرمایه گذاری کرده است در حالی که ۵ ماه حقوق کارگران بخاطر عدم تامین ارز کافی به عقب افتاده و یا تعدادی موقتا بیکار شده‌اند چهره واقعی خصوصی سازی از پرده بیرون می افتد.

بخش خصوصی که بدون ارتباطات و تجارت و داد و ستد با سرمایه بین‌المللی قادر به ادامه حیات خود نیست؛ مجبور است با بکار گیری اهرم‌های اقتصادی چه از طریق قوانین دولتی و چه از طریق دور زدن آنها و استفاده از قهر دولتی نه تنها دسترسی به ارزش اضافی بلکه غارت منابع طبیعی و محیط زیست را تامین کند. پائین آمدن قدرت خرید مزد بگیران دون پایه جامعه بویژه طبقه کارگر به علت گرانی بیش از حد کالاها و عدم تطبیق افزایش دستمزد با گرانی موجود، از یک طرف به فقر و خانه خرابی و رشد کودکان کار و غیره و از طرف دیگر به فربه شدن قشر بسیار نازکی از سرمایه داران انگلی می انجامد که فقط از طریق سفته بازی و خرید و فروش سهام و غیره در بازار داخلی و بین‌المللی به تجارت مشغول هستند.

طبقه کارگر در ایران و در مبارزات دو دهه گذشته که خصوصی سازی به یک سیاست رسمی دولت برای فرار از مسئولیت‌های اجتماعی و مشخصا در عرصه اقتصادی تبدیل شده است به درستی در تمامی درخواست‌های خود جلوگیری و ممانعت از این روند را مطرح کرده است. طبقه کارگر به خوبی دریافته است که خصوصی سازی نه تنها هیچ رشد اقتصادی که متضمن منافع اجتماعی و اقتصادی او و دیگر زحمتکش‌هاست باشد به همراه نیارده است، بلکه باعث بیکاری گسترده‌تر طبقه کارگر و فشار بیشتر بورژوازی در عرصه‌های دیگر اجتماعی شده است. به همین دلیل در سال

آنها را موجه جلوه دهند. نتیجه این سیاست طی سه دهه گذشته عکس آنرا نشان داده است. شکاف بین فقیر و غنی بیشتر و بیشتر شده است. دولت توسط همان سرمایه دارانی که واحدهای اقتصادی دولت را خریده اند؛ مجبور شده است که برای ادامه کاری واحدهای فروخته شده به مدیران و صاحبان این شرکت های میلیاردها دلار وام های بلاعوض و یا با بهره بسیار پائین بپردازد. دولت هر چه بیشتر به گاوی شیرده برای سرمایه داری خصوصی بویژه به بنگاههای تجاری تبدیل می شود. البته آنها نه تنها این امر را پنهان نمی کنند بلکه بطور روشن آنرا توضیح می دهند. به اختلافی که بین مردم و دولت و در انتقاد به خصوصی سازی آمده توجه کنید:

منتقدان مدعی‌اند این سازمان سهام برخی شرکت‌های دولتی را ارزان فروخته است. اما در مقابل، میر علی اشرف عبدالله پوری حسینی رئیس سازمان خصوصی‌سازی معتقد است واگذاری سهام شرکت‌های زیان ده به هر عددی بالاتر از صفر ریال به نفع مردم و دولت است چرا که مردم سالانه میلیاردها تومان زیان بابت این شرکت‌ها پرداخت می‌کنند و در واقع زیان اصلی این شرکت‌ها از جیب ۸۰ میلیون ایرانی پرداخت می‌شود. او در یک گفت و گوی تفصیلی با همشهری به پرسش‌ها، پاسخ داد. (سایت همشهری ۱۳۹۴)

ضعف شدید دولت در زمینه اقتصادی و نیز پی آمد خصوصی سازی و عدم جوابگویی دولت نسبت به خواست‌های اولیه اجتماعی (و مقاومت اجتماعی) به نوبه خود باعث بوجود آمدن یک بوروکراسی دولتی و نظامی شدید می‌شود؛ که بودجه دولتی را می بلعد و قادر می شود که مقاومت های طبقات فرودست را لحظه‌ای عقب براند تا حداکثر سود را برای سرمایه‌داری بخش خصوصی تامین کند.

در بالا؛ بزرگترین واحدهای اقتصادی که به بخش خصوصی فروخته شده‌اند ذکر شد؛ ولی این فقط بخشی از خصوصی سازی در ایران است. نتیجه مستقیم فروش اموال دولتی و منابع طبیعی و مالی جامعه به بخش خصوصی از بین رفتن خدمات اجتماعی؛ بیکاری گسترده؛ گرانی کالاها و بوجود آمدن بحران اجتماعی است که می تواند به گسترش فقر و ایجاد یک دولت استبدادی و فاشیستی با بودجه‌های نظامی سنگین و بصورت اشکال مختلف سیاسی اعم از مذهبی و ناسیونالیستی و .... بیانجامد. مفهوم این استبداد در زمینه حقوق فردی و اجتماعی یعنی از بین رفتن تشکلات مستقل اجتماعی اعم از کارگری دانشجویی و....؛ بستن دهان مخالفین با زندان و شکنجه و اعدام؛ از بین بردن حقوق زنان؛ کودکان و..... ابعاد وسیع خصوصی سازی ناشی از نئولیبرالیسم سرمایه داری در عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتری است که دارای ابعاد دیگر فرهنگی و شهرسازی و غیره است که در حوصله این مقاله نمی گنجد.

از پی آمدهای دیگر خصوصی سازی از بین رفتن نه تنها خدمات اجتماعی و "دولت های رفاه" می باشد بلکه باعث از بین رفتن امنیت شغلی؛ قراردادهای سفید امضاء؛ کم‌رنگ شدن بیمه‌های

**بجز نوشته هایی که با امضای**

**تحریریه منتشر می گردد**

**و بیانگر نظرات**

**حزب رنجبران ایران می باشد**

**دیگر نوشته های مندرج**

**در نشریه رنجبر به امضا های**

**فردی است و مسئولیت آنها با**

**نویسندگانشان می باشد.**



### پیروز باد اعتصاب... بقیه از صفحه ۱

مبارزات کارگران هفت تبه در نیم قرن گذشته علیه سرمایه داران خصوصی و دولتی نمونه است. آنها در نبرد های پی در پی بر این اصل مبارزاتی پافشاری کرده اند که در برابر کارفرمایان ستمگر و دزد راهی جز تشکل واتحاد نیست. اینبار هم با ارائه ی خواست های پنچگانه توانستند متحدا از کلیه بخش های تولیدی هفت تبه دست به اعتصاب زنند.

حزب رنجبران ایران که خود را هیچگاه جدا از طبقه کارگر ندانسته و از رهنمود "چاره رنجبران وحدت وتشکیلات است" پیروی کرده، امروز هم در سمت کارگران مبارزه هفت تبه ایستاده است و تمام نیرو از اعتصاب کارگران هفت تبه پشتیبانی می کند.

پیروز باد اعتصاب و اعتراض کارگران هفت تبه نه به خصوصی سازی، آری به اداره شورایی کارگری

زند باد سوسیالیسم

حزب رنجبران ایران

اول مرداد ماه ۹۹

### دین ابزار طبقات... بقیه از صفحه ۱

نمی تواند مهمترین بخش روبنای آن یعنی قدرت سیاسی سرمایه داری، متعلق به طبقه دیگری باشد، یعنی ساختار سرمایه داری نمی تواند یک دولت فتودالی و یا تحت قوانین فتودالی داشته باشد. ساختار سرمایه داری در یک جامعه، دولت سرمایه داری را ضروری میسازد. به همین ترتیب، ساختار فتودالی نیز دولت فتودالی را ضروری میسازد.

نتیجه ۱: در ایران ساختار سرمایه داری و دولت سرمایه داری حاکم است.

طبقه سرمایه دار و دولت اش، از جریان نفی یک ساختار اجتماعی کهنه تر به نام فتودالیسم سربرآورده است. در نتیجه، با حرکت کل جوامع بشری به جلو، آنچه متعلق به طبقه سرنگون شده است، هر روز، هر ماه و هر سال بیشتر از جامعه طرد می گردد. ولی همین ساختار اجتماعی تازه حاکم شده و دولت اش برای زنده ماندن و زندگی کردن و ابدی شدن، بسیاری از پدیده های گذشته را در خود حمل می کند و به صورت ابزار زنده ماندن به کار می برد. مثلا شمشیر، سلاحی است که در دوران پیش از کشف آهن یعنی ماقبل تمدن، از سنگ ساخته می شد و از دوران آهن به بعد از فلز (آهن) ساخته شد. برده داران از آن برای سرکوب برده ها استفاده کردند. برده ها با آن انقلاب کردند و برده داران را از تاریخ زدودند.

فتودالها دهقانان را با شمشیر سرکوب کردند و دهقانان و پرولتاریا و بورژوازی از شمشیر برای نابودی نظام فتودالی استفاده کردند. با شمشیر، سرمایه داری حاکم شد. در آینده یی نه چندان دور پرولتاریا با شمشیر بورژوازی را به تاریخ خواهد سپرد. می بینی که شمشیر در جوامع مختلفی به کار رفته است بدون این که مهر یک طبقه خاص را بر خود داشته باشد.

دین هم یک شمشیر است. منتها یک سلاح روحی است. فرق آن با شمشیر فلزی این است که دین از زمانی که جامعه بشری به طبقات تقسیم شد، همیشه در خدمت طبقات استثمارگر حاکم بوده است. دین (منجمله دین اسلام) همیشه در خدمت ابدی کردن آن نظامی اجتماعی ظالمانه ایست که حاکم است. در نتیجه هر انقلابی در تاریخ، با سرنگون کردن طبقه ارتجاعی، دستگاه دینی را نیز که آن طبقه برای ابدی کردن خود از آن استفاده می کند، در هم می شکند. مثلا هندی ها در دوهزار و پانصد سال قبل با در هم شکستن نظام اشتراکی، معابد آئین شیوا پرستی را نیز زیر و رو کردند. بعد که سیستم سرواژ در جامعه پا گرفت، همین آئین را سرف داران دوباره احیا کردند و به صورت ابزاری برای ابدی کردن خود از آن سود جستند. در جریان تحول هند از یک نظام سرواژ و برده داری به نظام سرمایه داری، آئین شیوا پرستی شدیداً مورد تهاجم نیروهای سرمایه داری در حال قدرت گیری قرار گرفت. همین سرمایه داری بعد از تثبیت حاکمیت اش، دوباره شیوا پرستی را برای ابدی کردن خود در افکار توده های زحمتکش، بازسازی کرد.

نتیجه ۲- در هر نظام استثمار، دین بدون داشتن مهر طبقه خاصی بر پیشانی خود، به صورت ابزاری در خدمت طبقه حاکم برای سرکوب روحی و تحمیق مردم مورد استفاده قرار می گیرد.

سه دین بزرگ جهانی هر کدام در ساختار اجتماعی خاصی پا به عرصه وجود گذاشتند: یهودیت در جامعه برده داری - قبیله ای مسیحیت در جامعه برده داری - قبیله ای - سرواژ و اسلام در جامعه برده داری - قبیله ای - تجاری (تجاری به مفهوم سوداگری و نه سرمایه داری). امروزه در دنیای سرمایه داری امپریالیستی، در هر کشوری یکی از این ادیان حاکم است و یا دست بالا دارد. ولی همه این دولت ها سرمایه داری امپریالیستی هستند. دولت روسیه در حال احیا کردن مسیحیت است. در نتیجه مسیحیت یک ابزاری است در خدمت امپریالیست های روسی. یهودیت که در جامعه برده داری- قبیله ای پا به عرصه وجود گذاشت، به صورت دین دولتی و رسمی در خدمت ابدی کردن نظام سرمایه داری در اسرائیل است. لذا ما نمی توانیم بگوئیم که بخشی از روبنای جامعه اسرائیل برده داری است. کل روبنای جامعه اسرائیل سرمایه داریست و یهودیت ابزار این سرمایه داری برای ابدی کردن و سرکوب روحی مردم اسرائیل

است. همین و بس.

در آلمان و فرانسه نیز چنین است ولی بجای یهودیت، مسیحیت نشسته است.

در این جا بد نیست به تاریخ کشور خودمان هم نظری بیافکنیم: همانطور که گفته شد دین اسلام در جامعه برده داری - قبیله ای - تجاری شکل گرفت و نه در یک جامعه فتودالی که حتی بتوانیم به اشتباه بگوئیم این یک دین فتودالی است.

اگر فرض کنیم که اسلام یک دین فتودالی است، آن وقت با تهاجم اعراب به ایران دچار بحران فکری می شویم. زیرا در زمان حمله اعراب به ایران، مردم به شدت علیه ظلم و ستم و آئین دست کاری شده ی زرتشت ساسانی مبارزه میکردند به ویژه زنان در این مبارزه فعال بودند. نظام قبیله ای - سرواژ ایران در شرف از هم پاشیدگی بود. اعراب حمله کردند، دولت ساسانی را سرنگون نمودند ولی همان ساختار گذشته را با قهر و سرکوب حفظ کردند. حال اگر دینی را که آوردند، یک دین فتودالی ارزیابی کنیم، به این نتیجه می رسیم که در آن جامعه پیش از فتودالی کلاسیک، یعنی ساختار برده داری - سرواژ، یک دین مترقی فتودالی حاکم گردیده بود. این مساوی با این است که ما بگوئیم که در یک نظام سرمایه داری می تواند اندیشه سوسیالیستی روبنای جامعه باشد. روشن است که این نوع تفکر ارتجاعی است.

بورژوازی مذهبی نوین ایران، سعی کرده زنان را در پوششی که به پوشش اسلامی معروف شده است بپوشانند: حجاب اجباری. ولی حجاب مربوط به اسلام نیست. تا زمان ساسانیان رسم بر این بود که بعضی مأموران خاص دولتی که در پیدا کردن زنان زیبا متخصص بودند، در کوی و برزن راه میافتادند و زنان منتخب خود را به زور به مراکز قدرت تحویل می دادند. خانواده ها برای جلوگیری از ربوده شدن دخترهاشان، آن ها را با حجاب می پوشانند. دختران طبقه بالا با کجاوه و تخت روان پوشیده حمل می شدند و دختران طبقات فرودست، در حجاب معمولی فرو می رفتند. لذا این حجاب امروزی، به هیچ وجه مهر عربی و فتودالی ندارد. اعراب این را اقتباس کردند. بورژوازی برای اعمال حاکمیت و ابدی شدن اش، از هر اندیشه روبنایی که بتواند، استفاده می کند. هر اندیشه یی که متعلق به جامعه پیشین است ولی بنیان اقتصادی آن از بین رفته است، به صورت ابزاری در میاید که متعلق به طبقه حاکم است. حتی این اندیشه اگر در جامعه برده داری به وجود آمده باشد. مثل مسیحیت که امروزه ابزار سرمایه داری امپریالیستی است.

در این جا باید یاد آور شد که در هر جامعه نوینی، بخشی از سنت های جامعه قبل به حیات خود ادامه می دهد. لذا ما در جامعه نوین با سنت های خوب و بد جامعه قبلی روبه رو هستیم. چهارشنبه سوری و جشن عید، دو سنت



یکی از مهمترین علائم صنعتی و لاجرم سرمایه‌داری بودن ایران است.

## ۲- ایران یک کشور سرمایه‌داری ست: پروسه تاریخی:

از اواسط سلطنت ناصرالدین شاه سعی گردید که از تهاجم اجناس خارجی به ویژه انگلیسی و روسی جلوگیری شود. در سال‌های ۸۰ قرن نوزدهم تعدادی از تجار ایران در ۳۴ زمینه سرمایه‌گذاری کردند:

این تجار که با این سرمایه‌گذاری‌ها در صنایع، به سرمایه‌دار - تاجر تبدیل شده بودند از همان ابتدای کار مجبور گردیدند که ماشین‌ها و دستگاه‌های ضروری برای تولید را از کارخانجاتی که در کشورهای سرمایه‌داری برپا بودند، تهیه نمایند. لذا سرمایه‌داران ایران از همان ابتدای کار وابسته بودند و استقلال عمل کامل نداشتند. مؤسسات تولیدی فوق در رقابت و توطئه انگلیس و روس ورشکست شدند و از بین رفتند. طبقه کارگر صنعتی ایران که از این تاریخ نطفه بندی می‌شد با وجود کسب دانش از متخصصین خارجی در امر پیش برد پروسه تولید، پراکنده شد. تا آخرین سال قرن نوزدهم کارگران صنعتی ایران محدود به کارگران چاپخانه‌ها، کارگران ماشین دودی شاه عبدالعظیم، کارگاه‌های کوچک قند سازی و غیره می‌شدند. بعد از قرار داد داری و شروع حفاری‌های نفتی توسط این شرکت انگلیسی تعدادی کارگر ایران و خارجی در این شرکت به کار پرداختند که با گسترش روز افزون این تأسیسات و کشفیات جدید چاه‌های نفت تعداد کارگران ایرانی نیز در این پروسه افزوده می‌گردید. در زمان رضا شاه با شروع راه اندازی راه آهن ایران هزاران نفر بر جمعیت کارگران صنعتی افزوده شد و طبقه کارگر مدرن و سرمایه‌داران مدرن ایران پا به عرصه وجود گذاشتند. با قبضه شدن قدرت سیاسی ایران توسط انگلیس در جنگ جهانی دوم و رفتن مهندسين آلمانی، انگلیسی، بلژیکی، آمریکائی، اسکاتلندی و اسکاندیناوی از ایران، متخصصین ایرانی‌یی که این تکنولوژی را از این مهندسين آموخته بودند تعمیر لکومتیوها و اداره راه آهن را به عهده گرفتند. راه اندازی راه آهن بدون ورود و آموزش تکنولوژی لازم به کارگران و مهندسين ایران اساساً غیر ممکن بود.

بعد از راه آهن، کارخانجات نساجی مازندران در ۱۹۲۰ میلادی با سرمایه دولت، تأسیس شد که صدها کارگر در آن کار می‌کردند. دستگاه‌های این کارخانجات از آلمان وارد شده بود و متخصصین ایرانی آن را می‌چرخاندند. کارخانه مونتاژ هواپیما، ساختن فرودگاه، گسترش مخابرات کشور، کارخانجات برق، آجسو سازی و ده‌ها کارخانه کوچک و بزرگ در زمان رضا شاه تأسیس گردید که بعضی از آن‌ها کارخانجات مونتاژ بودند. در پروسه احداث و تولید در کارخانه، شعور و آگاهی

ساخته است. در تاریخ پیشرفت بشر، ویروس کرونا بعنوان فریاد گوش خراش طبیعت که توده‌های افیونی جامعه ی نئولیبرالیستی را بیدار کرد ثبت خواهد شد. و این آغاز انقلابیست که کل نظام پانصد ساله بردگی، قتل عام نژادی و نسل کشی قومی و ستم و استثمار انسان از انسان را هدف قرار داده است.

ضعیف کشی در کشورهای سرمایه داری نهادینه شده است. در ایران زنان و در آمریکا سیاه پوستان به طور دائم و سیستماتیک تحت فشار و پیگرد هستند.

حزب رنجبران ایران خود را گردانی از جنبش عظیم بشریت برای رهایی از نظام سلطه گر امپریالیستی جهان میداند. ما امروز بنا بر وظیفه انترناسیونالیستی خود در کنار توده‌های وسیع مردم زحمتکش و ستمدیده آمریکا ایستاده‌ایم و رژیم ستمگر حاکم و رفتار وحشیانه پلیس این نظام را محکوم میکنیم.

پیروز باد مقاومت و مبارزه متحد کارگران و توده‌های وسیع مردم آمریکا همبسته باد مبارزه مشترک توده‌های مردم ایران و آمریکا علیه حاکمان ضد مردمی و فاشیستی این کشورها.

انقلاب علیه نظام سرمایه داری در جهان بر حق است  
کارگران کلیه کشورها متحد شوید

حزب رنجبران ایران  
۲۰۲۰/۵/۳۰

## صف بندی طبقاتی در ایران

### ۱- عمومی

مساحت ۱۶۴۸۰۰۰ کیلومتر مربعی ایران مساویست با ۱۶۴۸۰۰۰۰۰ هکتار. از کل این مساحت ۱۳۱۷۱۰۵۴۶ هکتار را جنگل‌ها، مراتع و پدیده‌های بیابانی پوشانده است. لذا ۳۳۰۸۹۵۴۵ هکتار. یعنی حدود یک سوم مساحت ایران قابل کشاورزی است. بدین جهت در شرایط وجود یک نظام مردمی، امکانات طبیعی جهت رشد کشاورزی مدرن، گله‌داری مدرن، جنگلداری مدرن و صنایع مدرن وجود دارد و به علت تنوع آب و هوایی مردم میتوانند در هر روزی از سال محصولات چهار فصل سال را در اختیار داشته باشند. در عین حال معادن ایران سرچشمه ثروت بی نهایت است. جمعیت ۸۳ میلیونی ایران به صورت ۲۶ میلیون خانواده، در ۴۲۹ شهرستان، ۱۰۵۸ بخش، ۱۲۸۷ شهر و ۲۵۸۹ دهستان سکنی گزیده‌اند. از این جمعیت حدود ۶۲ میلیون نفر در شهرها و ۲۱ میلیون نفر در روستاها زندگی می‌کنند.

به بیان دیگر حدود ۸۰ درصد از جمعیت ایران در شهرها و ۲۰ درصد در روستاها ساکن‌اند. این

سه هزار ساله در تاریخ ایران و نشأت گرفته از جامعه اشتراکی آریائی‌هایی است که تازه پا بر هند و ایران گذاشته بودند. آریائی‌ها تا آلمان پیشروی کردند. چهارشنبه سوری در جنوب آلمان هنوز به حیات خود ادامه می‌دهد. آنها به این مراسم می‌گویند جشن Johanesfeuer اما زمان برگزاری آن در طول تاریخ عوض شده و چند روز پس و پیش گردیده است. این مراسم دیگر حتی رنگ و بوی مبدا خود را ندارد. بلکه یک رسم در ساختار جامعه سرمایه‌داری جا افتاده است. در جامعه سوسیالیستی نیز بعضی از سنت‌های قدیم باقی خواهند ماند و سنت‌هایی که باعث ترمز جامعه می‌گردند، کم کم دفع خواهند شد.

تنها طبقه‌ای در تاریخ بشر که احتیاج به ابدی کردن خود ندارد، زیرا با به کف آوردن قدرت به سمت زدودن طبقات حرکت می‌کند، پرولتاریاست. لذا در ساختار سوسیالیسم، با هدف رهایی بشریت از استثمار و ستم و جنگ، علم (ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی) جای دین را خواهد گرفت.

بهرنگ

## قیام علیه سرکوبگران.... بقیه از صفحه ۱

حاکمین را به چالش کشیده‌اند.

ما در این بیست سال گذشته شاهد قیام‌های توده‌های میلیونی سراسری در ایران بودهایم و هرکدام با جرقه‌های شروع گشته و در اندک زمانی شعلله‌های پر فروغ و سوزنده‌اش تا لبه‌راندازی کل نظام ولایت فقیه، زبانه کشیده است.

در آمریکا نیز در اعتراض به کشتن کارگر بی‌کار شده سیاهپوستی که در اثر هشت دقیقه فشار زانوی پلیس سفید پوست نژاد پرست بر گلو او در حالی که دستبند زده کف خیابان دراز کشیده بود، جان می‌دهد، مردم به خیابان ریختند و این اعتراض به سرعت سراسر آمریکا را فرا گرفت. خشم مردم تا کنون در بیش از سی شهر بزرگ، بعضی از مراکز و ماشینهای پلیس را به آتش کشیده است. اعتراضات در عرض چند روز از اعتراض به یک جنایت به اعتراض به کل نظام سرمایه‌داری حاکم تکامل یافت و همانند قیام سراسری آبان‌ماه ۹۸ ایران، کارگران و زحمتکشان زن و مرد، نیروی میلیونی را به حرکت در آوردند. ترامپ به مانند خامنه‌ای مردم قیام کننده را اوباشان و تبهکاران خواند.

رستاخیر بیش از سی شهر در آمریکا آغازی است برای فتح قلعه‌ها توسط هیچ بودگان که زمینهای را فرو ماندگی دولتهای سرمایه‌داری در این پنج ماه در مقابله با حمله ویروس کرونا فراهمتر

## نژاد پرستی یک گرایش طبقاتی است



را شامل شده است.

از جمعیت ۱۴ میلیونی کارگران ایران<sup>۲</sup> در سال ۱۳۹۸؛ ۵۱,۶ درصد در بخش خدمات، و ۳۲,۴ درصد در بخش صنایع شهری و ۱۶ درصد در بخش کشاورزی مشغولند. در نتیجه بیش از ۵۰ درصد کارگران ایران در تولید و توزیع صنعتی و در رابطه با صنایع مدرن روستائی قرار دارند. جمعیت ۱۴ میلیونی کارگری ایران با محاسبه تعداد متوسط ۴ نفر اعضای خانواده، حدود ۵۶ میلیون نفر می‌باشند. تعداد کارگران نسبت به تعداد افراد هر طبقه دیگر در اکثریت است و همراه تعداد اعضای خانواده‌شان نسبت به کل جمعیت ایران نیز اکثریت دارد. خواست عینی این اکثریت، زندگی در جامعه بی‌سستی که در آن استثمار نباشد. ولی همه طبقه کارگر ایران کارگران صنعتی نیستند. بخشی از آن کارگران سنتی هستند. مثل عماله‌ها، پادوهای دکان‌ها و غیره. ولی همان طور که از آمار بر می‌آید، اکثریت مطلق کارگران ایران را کارگران صنعتی و خدماتی که در رابطه با توزیع محصولات صنعتی شهر و روستا هستند، تشکیل می‌دهد.

کارگران، ۸۴ درصد در بخش خصوصی، و ۱۶ درصد در بخش عمومی مشغولند. کارگرانی که در بخش عمومی، در شرکت نفت (۱۹۷۶) تعداد ۴۰۰۰۰ و در ۱۹۸۳ بالغ بر ۸۲۰۰۰ کارگر و امروز بیش از ۹۰۰۰۰، صنایع راه‌آهن، صنایع نظامی و از این قبیل مشغولند و کارگران شاغل در صناعی که با صدور سرمایه خارجی احداث شده‌اند، کارگران صنعتی بین‌المللی را تشکیل می‌دهند که پیشروترین و آگاه‌ترین کارگران ایران می‌باشند.

طبقه کارگر ایران به لحاظ تاریخی و تکامل اجتماعی به دو بخش تقسیم می‌شود ۱- کارگران سنتی. ۲- پرولتاریا<sup>۳</sup> لذا تکیه اصلی کمونیست‌ها می‌بایست در پیوند با پرولتاریا و سازماندهی او باشد زیرا این قشر از کارگران دارای آگاهی و انضباط کارخانه‌ایست که او را قادر می‌سازد انضباط کمونیستی را بپذیرد و آن را در حزب پرولتاریا تحکیم کند. به علاوه کارگران فکری نیز در جامعه حضور دارند که نسبت به پرولتاریای ایران اندک هستند.<sup>۴</sup> این کارگران عبارتند از منشی

## ۲ - فریبرز رئیس دانا

۳ - علی رضا محبوب، دبیر کل خانه کارگر: مجموعه کارگران سراسر کشور بیش از ۱۰ میلیون نفر ... هر ساله بیش از ۱۵۰ هزار نفر نیز به این تعداد اضافه می‌شوند. - <http://www.ireconomy.ir/fa/page/5174>

۴ - (به طور خلاصه پرولتاریا - یا طبقه پرولتاریا - همان طبقه رنجبر امروزی است. انگلس - اصول کمونیسم

۵ - ارنست مندل با افکار تروتسکیستی رادیکالی که داشت، سعی کرد، هر کسی را که دارای ابزار تولید نیست ولی کار می‌کند، جزو پرولتاریا به حساب آورد. او بدین ترتیب سعی کرد ترکیب طبقاتی احزاب پرولتاری را کاملاً آشفته

۱۰۰ درصد درآمد ناشی از صادرات کالاهای صنعتی و کشاورزی و صنایع تبدیلی و تکمیل آن از شمول مالیات معاف است.

۵۰ درصد درآمد ناشی از صدور کالاهایی که با هدف توسعه صادرات غیر نفتی به خارج صادر می‌شوند از شمول مالیات معاف است.

۱۰۰ درصد درآمد حاصل از صدور کالاهای ترانزیت وارده به کشور از شمول مالیات معاف است.

\* سرمایه‌گذاری مجدد شرکت‌های تعاونی و خصوصی با هدف توسعه، بازسازی و تکمیل واحد صنعتی و معدنی موجود از ۵۰ درصد مالیات متعلقه معاف خواهد بود.<sup>۵</sup>

سرمایه‌های خارجی با چنین شرایط مساعدی توانستند بدون همیاری سرمایه‌های داخلی، کل کارخانه تولیدی مورد نظر خود را برپا نمایند. این کارخانجات عظیم که ارزش آن‌ها تا زمان روی کار آمدن ترامپ حدوداً به ۸۰ میلیارد دلار بالغ می‌گردید، با تکنولوژی بسیار پیشرفته مجهز بودند که این دانش توسط مهندسی و تکنسین‌های ایران در بدنه جامعه نشت کرد.

سرمایه‌داری شدن ایران و حضور دانش بالا و پیشرفته در بسیاری از زمینه تولیدی، حاصل تکامل مستقل و بسته جامعه ایران نیست. بلکه حاصل حرکت علم با سرمایه در کل جهان بشری است. ناموزونی حرکت و رشد سرمایه، ناموزونی حضور علم در جوامع مختلف را به همراه دارد.

نتیجتاً: تکامل نظام سرمایه‌داری وابسته‌ی ایران در شرایط حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، بر اثر دو فاکتور: ۱- ورود عظیم سرمایه خارجی و تکنولوژی پیشرفته ۲- به اضافه حفاظ دولتی برای آن‌ها، ممکن گردید.

بعضی‌ها به مجرد شنیدن سرمایه‌داری شدن یک کشور و یا امپریالیستی شدن آن، رفاه و معیشت خوب مردم به نظرشان می‌آید. در حالی که کاملاً مسأله برعکس است. رشد سرمایه‌داری در یک کشور و حتی امپریالیستی شدن آن وضعیت طبقه کارگر و زحمتکشان را اسف بار و غیر قابل تحمل‌تر می‌کند. نمونه تیبیک آن هند است. علت این که در کشورهای بزرگ امپریالیستی وضع طبقه کارگر به اندازه وضع همین طبقه در کشور ما اندوه‌بار نیست، غارت و چپاول گسترده‌ایست که این کشورها از نیروی کار جهانی می‌کنند. با ورود ثروت‌های عظیم جهانی به این کشورها، قطراتی از آن به پائین نیز نشت می‌کند.

## ۳- کارگران ایران

در سال ۱۳۹۷، نیروی توانا در مشارکت اقتصادی ۴۰,۵ درصد (۳۳,۲۱ میلیون نفر) بوده ولی فقط ۳۵,۶ درصد (۲۹,۱۹ میلیون نفر) شاغل بوده‌اند و بقیه یعنی ۱۲,۱ درصد (۹,۹۲ میلیون نفر) بیکاران

1 <https://www.iaccim.com/index.php/2018-06-26-14-55-41/2018-06-26-15-10-30>

کارکنان از نوع کاری که می‌کردند، جامعه خود و جامعه بین‌المللی بالا می‌رفت. به ویژه کارگران و تکنسین‌های ایران با تکنولوژی مدرن آن زمان در همان زمینه از کار آشنا می‌شدند.

اصولاً صدور سرمایه بدون صدور تکنولوژی امکان فعالیت ندارد. اگر ما این امر را در حافظه خود نگهداریم آنوقت علت بالا رفتن سطح آگاهی علمی و فنی کل جوامع بشری را درک خواهیم کرد. کاملاً روشن است که صدور تکنولوژی با صدور سرمایه رابطه مستقیم دارد. بدین معنی که سطح صدور سرمایه، سطح صدور تکنولوژی را معین می‌کند. اگر صدور سرمایه برای درست کردن جعبه‌های بسته بندی است، با برپائی ماشین‌های ساده کاتن سازی، چگونگی کار با آن‌ها را هم به تکنسین‌ها می‌آموزند ولی اگر صدور سرمایه برای تولید ماشین‌های سواری است آنوقت با برپائی کارخانه، چگونگی کار با روبات‌های ماشین ساز پیشرفته را باید آموزش دهند.

پروژه سرمایه‌داری شدن ایران در ابتدا، از خلال این دو روند گذشته است: صدور سرمایه و صدور تکنولوژی در امتزاج با سرمایه داخلی.

بعد از رضا شاه سرمایه امپریالیستی چون سیل به ایران سرازیر شد و با درآمیختن با سرمایه داخلی کشور، کارخانجات مونتاژ بزرگی برپا گردید که ده‌ها هزار کارگر را در خود متشکل کرده بود.

بسط مؤسسات صنعتی و در نتیجه بسط بورژوازی داخلی و خارجی در ایران باعث رفم‌های ارضی شاه شد که در جریان آن نظام اقتصادی - سیاسی ایران به سرمایه‌داری متحول گردید. در دوره حاکمیت رژیم جمهوری اسلام با پس زدن گام به گام سرمایه‌داران داخلی و تضعیف کارخانجات داخلی، سرمایه‌های عظیم بین‌المللی جذب بازار ایران شد. دولت ایران شرایط بسیار مساعدی برای این سرمایه‌ها به وجود می‌آورد. برای روشن شدن این مدعا بخشی از این شرایط را درج می‌کنم:

"سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند بخشی از سرمایه خود را از منابع داخلی و خارجی بصورت وام تهیه نمایند. بدهی است تضمین تعهدات بازپرداخت وام اخذ شده برعهده وام گیرنده است.

سرمایه خارجی می‌تواند به شکل ارز نقدی، ماشین آلات و تجهیزات، مواد اولیه، دانش فنی و سایر اشکال حقوق مالکیت معنوی به کشور وارد و تحت پوشش قانون تشویق و حمایت قرار گیرد. نحوه ورود و ثبت آورده سرمایه‌گذار خارجی در نمودار شماره (۲) مشخص شده است.

هشتاد درصد درآمد واحدهای تولیدی و معدنی مستقر در مناطق توسعه یافته به مدت ۴ سال از مالیات معاف می‌باشد.

۱۰۰ درصد درآمد واحدهای تولیدی و معدنی مستقر در مناطق کمتر توسعه یافته به مدت ۱۰ سال مشمول مالیات نخواهد بود.

\*تأسیسات ایرانگردی و جهانگردی سالانه از پرداخت ۵۰ درصد مالیات متعلقه معاف هستند.



و ماشین نویسی‌های ادارات و مؤسسات مختلف، معلمان و کارمندان دون پایه و غیره. بررسی بیکاری گروه‌های مختلف دو واقعیت اساسی در جامعه را برملا می‌کند: بیکاری در جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر ۱۲٫۱ درصد، در جوانان ۱۵-۲۴ ساله و بیشتر ۱۲٫۱ درصد، در جوانان ۲۴-۲۵٫۵ ساله و بیشتر ۲۸٫۳ درصد و در جمعیت ۱۵-۲۹ ساله ۲۵٫۵ درصد و نرخ بیکاری جمعیت فارغ‌التحصیل ۳۶٫۴ درصد برآورد شده است.<sup>۶</sup>

چنان که ملاحظه می‌شود، بیکاری جوانان ۱۵-۲۹ ساله بعد از فارغ‌التحصیلان، بالاترین درصد را دارد. این دو مسأله می‌رسانند که اولاً یک بحران عمیق ساختاری در جامعه وجود دارد که قادر به جذب نیروی کارآمد جوانان نیست. دوماً از نظر علمی و فنی عقب ماندگی تا حدیست که قادر به جذب نیروی متخصص دانشگاهی در تولید، مدیریت و امر سازماندهی نمی‌باشد. لذا فرار مغزها از ایران، یک جبر تاریخی برای زنده ماندن است.

طبقه کارگر ایران به دلیل وجود شرکت‌های عظیمی مثل راه آهن، کارخانجات تولیدی عظیم مثل هپکو، هفت تپه، فولاد اهواز، آلومینیوم سازی اراک، صنایع سنگین نظامی، شرکت نفت و هزاران مؤسسه تولید بیش و کمتر از ده نفر، دارای تشکل پذیری بالا و انسجام لازم جهت سازماندهی خود در صورت کسب آگاهی کمیونیستی است. طبقه کارگر امروزی ایران را دیگر دهقانان کنده شده از زمین روستائی، خوش نشین‌ها و بیکاران روستا تشکیل نمی‌دهد. این وضعیت تا نسل اول بعد از اصلاحات ارضی موجود بود که بعد از آن تغییر اساسی کرد. افراد این طبقه فرزندان کارگران و روشنفکران بیکار هستند و متوسط سطح تحصیلات در آن‌ها سوم دبیرستان است. این طبقه به علت شرایط تاریخی-سیاسی ایران که در یک منطقه استراتژیک جهان قرار دارد و همیشه یک جانب منازعات بین‌المللی بوده و به طور دائم در مبارزه داخلی علیه بورژوازی حاکم قرار داشته است و قرار دارد، دارای آگاهی بالاتری نسبت به هم طبقه‌یی‌های خود حتی در کشورهای اروپائی‌ست.

این طبقه در تقابل با یکی از خونخوارترین و فاشیستی‌ترین و عقب مانده‌ترین رژیم‌های سرمایه‌داری قرار دارد. با وجود اعمال لیبرالیزاسیون اقتصادی (پایمال کردن تمام حقوق کارگران و عدم پرداخت به موقع و کامل حقوق آنان، فسخ استخدام قراردادی، به کارگیری کارگران با اجبار آنان در ارائه قراردادهای سفید امضا، پایمال کردن تمام امکانات اجتماعی و درمانی و رفاهی آنان) در جامعه، مبارزه‌ای گسترده و روزمره را در بدست آوردن خواست‌هایش در پیش گرفته است. خواست‌های کارگران ایران در عین حال که بر زمینه‌های اقتصادی استوار است، ولی به واری آن

نماید.

صعود کرده است. خواست کارگران ایران تشکل مستقل از دولت، آزادی تشکل، آزادی تظاهرات، تشکل شورائی و اداره شورائی است. روشن است که همه بخش‌های این طبقه در چنین سطح آگاهی نیستند ولی وقتی مبارزه بخش آگاه تشدید می‌شود، همه بخش‌ها به پشتیبانی بر می‌خیزند و به خیابان می‌آیند.

دریافتی‌ها	تومان
حداقل دستمزد ماهیانه	۱۵۱۷۰۰۰
کمک هزینه مسکن (به شرط تصویب)	۱۰۰۰۰۰
حق بن خواربار	۱۹۰۰۰۰
حق اولاد - دو فرزند	۳۰۳۴۰۰

از زمان تشدید تحریم‌ها توسط دولت ترامپ، و فروکش شدید صادرات نفت، تولید ارزش اضافه کارخانه‌یی در داخل کشور و جایگزین کردن آن به جای سهمیه نفت در بودجه اهمیت حیاتی پیدا کرد. لذا کارخانجات و مؤسسات تولیدی خصوصی بسیاری برپا گردیده و فشار بر طبقه کارگر برای تولید بیشتر و محرومیت بیشتر از امکانات اجتماعی، ابعاد تحمل ناپذیری گرفته است. در حالی که مرز فقر در ایران حدود ۸ میلیون تومان است، حداقل دستمزد کارگران با دیگر مزایا ۲۱۱۰۴۰۰ تومان برآورد شده است. این محاسبه برای خانوارهای دو فرزند است. این شرایط اقتصادی، کارگران و خانواده‌های آنان را در مرز مرگ نگه داشته است.

دقیقا این امر یکی از دلایل گسترش و تعمیق مبارزات کارگری ایران در سال‌های اخیر می‌باشد. سال‌های ۹۷، ۹۸، و ۹۹ سال‌های اوج گیری مبارزات کارگری کشور ماست.

#### ۴- بورژوازی ایران

بورژوازی در ایران طبقه حاکمه است. بدین معنی که قدرت سیاسی را در کف دارد. در واقع دولت ایران به مثابه ابزار سیاسی حاکمیت طبقه سرمایه دار، دولت سرمایه‌داریست.

بخش وسیعی از طبقه سرمایه‌دار، اعضای دولت هستند و یا مقامات تعیین کننده در سپاه و ارتش و پلیس می‌باشند. در نتیجه یکی از ویژگی‌های سرمایه‌داری در ایران تداخل این طبقه با قدرت سیاسی، یعنی دولت همین طبقه است. به بیان دیگر دولت در ایران هم ابزار سیاسی طبقه سرمایه‌دار است و هم بخشی از اعضای این طبقه است. هر دو درهم تنیده شده‌اند.

این خصوصیت باعث می‌گردد که از هر تنش کوچکی در پائین جامعه، کل دولت و طبقه دچار هراس مرگ آوری شوند و به همین نسبت نیز انعکاس سرکوبگرانه نشان دهند. در نظام‌های سرمایه‌داری که این دو کاملا از هم جدا هستند، طبقه سرمایه دار حتی با تغییر رژیم‌ها در نتیجه فشار از پائین به لرز هم نمی‌افتد. مثل جامعه آلمان یا فرانسه و آمریکا و غیره.

جهت درک ویژگی‌های دیگر نظام سرمایه‌داری

ایران و در نتیجه خصوصیات این دولت سرمایه‌داری، لازم است به ویژگی‌های اقتصاد و حرکت سرمایه در ایران دقت شود: اقتصاد ایران یک اقتصاد سرمایه‌دارانه است. یعنی ثروت اجتماعی و خصوصی در ایران همان ارزش اضافه‌ای است که در نتیجه استثمار طبقه کارگر حاصل می‌شود. تولید با شیوه فنودالی از جامعه ایران رخت بر بسته است. منابع تأمین اقتصاد کشور (بودجه) به روشنی گویای ویژگی اقتصاد سرمایه داری ایران است.

درآمد نفت سهم بالائی از بودجه ایران و ثروتی را که در این کشور وجود دارد، تأمین می‌کند. درآمد عظیم نفت که از استثمار بی رویه کارگران شرکت نفت و کارگران تمام صنایعی که به این شرکت وابسته هستند، حاصل می‌آید، برای حاکمین ثروت باد آورده‌ایست که می‌شود بخش بزرگی از آن را به نفع شخصی برداشت کرد و یا بدون جواب گوئی به کسی به دوستان بین‌المللی رساند. درآمد نفت در اوائل حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی بیش از ۴۰ درصد بودجه کشور را رقم می‌زد. لذا ایجاد ثروت و تأمین کل بودجه کشور از طریق تولیدات صنعتی، اهمیت خود را از دست می‌داد. با وجود این که درصد درآمد نفت در بودجه کشور ثابت نیست ولی نفس وجود بی ثباتش، نقش سرمایه صنعتی و کارگر صنعتی را در تأمین بودجه بی ثبات می‌کند. با تشدید تحریم‌ها از جانب آمریکا - از زمان اوپاما تا کنون - سعی گردیده است سهم نفت در بودجه کشور را تقلیل دهند. ولی این کوشش به علت سیاست‌های مخرب اقتصادی و بین‌المللی، نتوانست کاملا موفق شود. سهم درآمد نفتی از کل منابع عمومی از ۴۱ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۳۱٫۳ درصد در سال ۱۳۹۷ و ۲۷ درصد در سال ۱۳۹۸ رسیده. دولت سهم نفت در بودجه سال ۹۹ را ۱۰ درصد اعلام کرده است که با برداشت ۳۰ هزار میلیارد از صندوق توسعه ملی (۷،۵ درصد بودجه) سهم واقعی نفت در بودجه، حدود ۱۸ تا ۲۰ درصد را تشکیل می‌دهد.

ولی چون به علت تحریم‌ها، چنین درصدی از بودجه از طریق فروش نفت تأمین نمی‌شود، بخش بزرگی از بودجه کشور بی پشتوانه می‌ماند که برای جبران آن بودجه شاخه‌های بهداشت، آموزش و پرورش، تحقیقات علمی عمومی، را کاهش می‌دهند.

امکان برداشت غیر قانونی از درآمد نفت، قشری دزد، فاسد، مفت خور و بسیار حریص در هیأت حاکمه ایران به وجود آورده که به ثروت‌های افسانه‌یی رسیده‌اند و از هیچ جنایتی در حق اکثریت مردم روگردان نیستند.

۷ - رئیس دیوان محاسبات، از افزایش سهم درآمدهای نفتی در بودجه سال ۹۷ انتقاد کرد و گفت: سهم درآمدهای نفتی در منابع عمومی بودجه به ۴۳ درصد افزایش یافته است.



## الف - بورژوازی صنعتی ایران

الف - محصولات صنعتی ایران به علت سیاست درهای باز رژیم جمهوری اسلامی، قادر به رقابت با کالاهای خارجی مشابه نیست. دولت ایران تا زمان روی کار آمدن ترامپ هیچ پشتیبانی قابل محاسبه‌ایی از صنایع داخلی نمی‌کرد. کالاهای چینی و روسی، اروپائی و... داخل ایران سرازیر می‌شد و صدها شرکت وارد کننده که گردانندگان و صاحبانشان در دولت مسئولیت داشتند و یا مناسبات محکمی با دولتیان برقرار کرده بودند، سودهای میلیاردری میبردند و صنایع ایران را گام به گام به نابودی سوق می‌دادند.

این وضعیت بعد از تشدید تحریم‌ها به ویژه تحریم فروش نفت، تا اندازه‌ای تغییر کرد و دولت مجبور به حمایت شاخه‌هایی از تولید داخلی گردید و حتی کارخانجات خصوصی تولیدی کالاهای تحریم شده را با ارائه کمک‌ها و خدماتی، تشویق کرد.

از کل منابع و مصارف شرکت‌های دولتی در بودجه ۱۳۹۹، سهم شرکت ملی نفت حدود ۳۳ درصد و شرکت ملی پالایش و پخش حدود ۲۴ درصد، یعنی مجموعاً ۵۷ درصد تعیین شده است. ۴۳ درصد مابقی سهم دیگر شرکت‌های دولتی است که درصد بالائی از آن سهم بانک‌ها و شرکت‌های بیمه دولتی می‌باشد. در نتیجه سهم بسیار اندکی به صنایع دولتی (منهای صنایع نظامی) تعلق می‌گیرد. این در حالی است که صنایع متعلق به دولت است. وضع صنایع خصوصی بسیار وخیم‌تر از این می‌باشد.

لذا مالیاتی هم که از این صنایع برای تأمین بودجه کشور اخذ می‌گردد نمی‌تواند بیش از ۱۰ درصد بودجه را تأمین کند.

با بحرانی شدن روابط ایران و آمریکا، دولت سعی نموده تنش مثبتی در صنایع به ویژه صنایع تحریم شده ایجاد کند. در عین حال بوسیله شرکت‌های بزرگ و برتر ایران<sup>۸</sup>، کالاهای تحریم شده را تولید و بخشی از کالاهای مورد نیاز کشور را توسط همین شرکت‌ها به نام دیگری (قاچاق) وارد نماید.

ب- یکی از ویژگی‌های نظام سرمایه‌داری ایران این است که ماشین‌های سازنده ابزار تولید در ایران بسیار اندک است. لذا سرمایه‌داران صنعتی مجبور هستند ماشین‌های تولیدی کارخانجات خود را از خارج وارد کنند. لذا هر کدام از آن‌ها وابسته به یک کنسرن و طرفدار همان کنسرن می‌باشد. وقتی این سرمایه‌داران واردات خود را از کشوری به کشور دیگر تغییر می‌دهند، دشمن کنسرن اولی و طرفدار کنسرن دومی می‌شوند. بهمین جهت بورژوازی صنعتی

8

<https://donya-e-qtasad.com/%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D8%B5%D9%86%D8%B9%D8%AA-%D9%85%D8%B9%D8%AF%D9%86-3/3617475-%D8%B1%D8%AA%D8%A8%D9%87-%D8%B4%D8%B1%DA%A9%D8%AA-%D8%A8%D8%B2-%D8%B1%DA%AF-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86>

ایران به لحاظ تاریخی و شرایط فعلی بسیار دمدمی مزاج، خائن و اپورتونیست است. به اندازه افراد این طبقه، گرایش و وابستگی به شرکت‌های امپریالیستی وجود دارد. این امر به لحاظ عینی بورژوازی وابسته ایران را توضیح می‌دهد.

به طور کلی صنایع سازنده وسائل ضروری زندگی مردم، به دلیل عدم حمایت دولتی و عدم توانائی در رقابت با کالاهای خارجی، با ظرفیت پائین تر از ظرفیت کلی خود، تولید می‌کنند. حتی با ۲۰٪ از کل ظرفیت خود. یعنی در خطر ورشکستگی قرار دارند. لذا انگیزه نوسازی ماشین‌های خود را از دست داده‌اند و این ماشین‌ها نسبت به تکنولوژی امروزی جهان عقب مانده هستند. این امر به ویژه در صنایع معدنی برای کارگران فاجعه آفرین است. به طوری که در ده سال گذشته ۱۵۹۹۷ کارگر ناشی از عدم ایمنی و فرسودگی ابزار تولید، جان خود را در معادن از دست داده‌اند.

سیاست لیبرالیزه کردن اقتصاد، که از جانب بانک جهانی بر اقتصاد ایران تحمیل شد، گذشته از وظیفه تشدید استثمار کارگران، از بین بردن کلیه حقوق اولیه آن‌ها، دامن زدن به فقر و بی سرپناهی آن‌ها، می‌بایست دولت را از پروسه تولید جدا کند. یعنی شرکت‌های تولیدی و غیر تولیدی مثل بیمه‌ها و بانک‌ها را نیز خصوصی سازد تا دولت از تولید کاملاً مجزا شود. ولی خصوصی سازی در ایران در عین این که به تشدید بی رویه استثمار و بی خانمانی طبقه کارگر دامن زد، شرایطی را به وجود آورد که مؤسسات تولیدی دولتی به دولتمردان و یا سرمایه‌داران مرتبط با دولت با قیمت‌های بسیار اندک، واگذار شد. این خریداران که هیچ اطلاعی از روند تولید و پیشرفت آن در این مؤسسات نداشتند، با فروش آن‌ها و کسب سودهای میلیاردری، این مؤسسات تولیدی را به ورشکستگی و نابودی کامل کشاندند. با این وجود صنایع ایران تمایل به انحصار دارند. این روند قانونمند را می‌توان با یک نمونه به روشنی و با شفافیت نشان داد. ۶۱ واحد معدنی در زمینه مواد نسوز<sup>۹</sup> در صنعت کشور مشغول به تولید هستند. که البته ۵۰ درصد تولید کشور در انحصار ۷ تا ۸ شرکت قرار دارد.

وقتی ما از صنایع ایران صحبت می‌کنیم، فقط صنایع شهری در نظر نیست صنایع کشاورزی نیز مورد نظر است. بخش وسیعی از کشاورزی ایران صنعتی است. بخشی نیز که صنعتی نیست کشاورزی تجاری در مناسبات سرمایه‌داریست. یعنی تولید خرده بورژوازی برای فروش نه مبادله پایاپای. لذا روستاهای ایران دیگر روستاهائی با مناسبات ارباب رعیتی نیستند. همان طور که شهرهای ایران به شهرهای نتولیرالی تبدیل شده‌اند، روستاهای ایران نیز به روستاهای تجاری تبدیل گشته‌اند. روستاهای ایران یا روستاهای صنعتی

هستند یا روستاهای خرده بورژوازی تجاری و یا روستاهای صنعتی - تجاری. در روستاهای ایران کوچکترین نشانه فتودالیسم دیده نمی‌شود. نظام ایلی در ایران با وجود حاکمیت نظام سرمایه‌داری، بر پایه پدرتباری و اشکال تغییر پیدا کرده آنیمیسیم استوار است که به دوره ماقبل تمدن تعلق دارد. گله‌داری در ایلی که معیشت اصلی آنها را میسازد، اگر ایلی یک جا نشین شده باشد، تجاریست و اگر کوچنده باشد بر مناسبات آرتل است، که ریشه در مالکیت اشتراکی دارد. این مناسبات در مرز نابودی و محو قرار دارد. لذا در ایلات ایران نیز مناسبات فتودالی وجود ندارد.

## ب- بورژوازی تجاری ایران

قدرتمندترین و فاسدترین قشر بورژوازی ایران بورژوازی تجاریست. در گذشته بورژوازی تجاری سنتی ایران را بورژوازی بازار می‌نامیدند. منظور از بازار مکانی بود به صورت کوچه‌های تو در تو و سرپوشیده. امروزه بورژوازی تجاری مفهوم دیگری دارد. بورژوازی تجاری مدرن امروز ایران دارای شرکت‌های عظیم وارداتی از تولیدات کنسرن‌های بین‌المللی و صادرات به کنسرن‌های بین‌المللی هستند. مثل شرکت‌هایی که کالاهای چینی وارد می‌کنند و کالاهای ایرانی مثل ترکیبات طلا، فلزات گرانبها، آهن، شیشه و صنایع دستی را به شرکت‌های خارجی می‌فروشند. این بورژوازی که قاعدتاً باید به عنوان زمینه ساز عینی بورژوازی صنعتی عمل کند و با سرمایه‌گذاری در صنعت این بخش را تقویت نماید، به علت فساد عمیق در دستگاه دولتی و وابستگی بورژوازی تجاری به قدرت‌های نظامی و دولتی، مانع اساسی حفاظت دولت از صنایع داخلی است. دقیقاً همین بورژوازی است که می‌تواند از پرداخت مالیات فرار کند. کارگران، کارمندان و مزد بگیران دارای درآمد معینی هستند که بر مبنای آن مالیات می‌پردازند. بورژوازی صنعتی نیز دارای حساب تقریباً روشنی در خرید مواد خام و ناشی از آن درصد سود می‌باشد. تنها قشری از طبقه بورژوازی که می‌تواند کاملاً از پرداخت مالیات فرار کند، بورژوازی تجاری است. بخشی از این بورژوازی که به کنسرن‌های بین‌المللی وابسته بوده و به آن‌ها خدمات می‌رساند، به صادرات و واردات قاچاق مشغول است. از مواد اعتیاد آور مثل هروئین تا داروهای پزشکی را این بخش به صورت قاچاق انجام می‌دهد و ثروت‌های میلیارد دلاری کسب می‌کند. مثلاً: به گزارش خبرنگار اقتصادی **خبرگزاری تسنیم** شرکت آرد ... مقدار ۵ هزار تن آرد را بدون داشتن مجوز ورود موقت صادر کرده است. قیمت این کالای صادر شده یک تریلیون و پانصد و سی و هفت میلیارد و یکصد و شصت و هشت میلیون و هشتصد و بیست و هفت هزار و دویست و نود و دو ریال می‌باشد. (۱/۵۳۶/۱۶۸/۸۲۷/۲۹۲ ریال)

این روند همیشه با همیاری دولت و دولتمردان





انجام می‌شود. بورژوازی تجاری همان قشر فاسدی است که از بالا کشیدن درآمد نفت پا گرفت. لذا نفوذ عظیمی در قدرت سیاسی در ایران دارد. همه اقدار بورژوازی خائن به منافع عمومی جامعه هستند ولی این قشر از بورژوازی خائن‌ترین قشر به این منافع است. این قشر است که اساسا از ارز ارزان استفاده می‌کند. ارز ارزان باعث خرید ارزان می‌شود. کالاهای ارزان خریداری شده از خارج به قیمت گزاف حتی ده برابر قیمت رایج در داخل ایران به فروش می‌رسد؛ مثل محصولات دارویی.

#### پ- بورژوازی ربائی ایران

این بورژوازی کم جمعیت‌ترین و قدرتمندترین بورژوازی ایران است. به استثنای صرافان دوره‌گرد و فقیر، صرافانی که دارای دم و دستگاه مغازه‌ای هستند تا بانک‌داران در این قشر از سرمایه‌داران ایران جای می‌گیرند. مقتدرترین اعضای این قشر بانک‌داران هستند که کلیه ثروت‌های جامعه را در کنترل خود گرفته‌اند. رده‌های بالای صرافان در پیوندی فشرده با بانک‌ها عمل می‌کنند و جریان پول در رده‌های پائین صرافان، تا صرافان دوره‌گرد را نیز تحت کنترل دارند. در واقع سرمایه‌صرافی و یا ربائی ایران یک هرم سرمایه‌ایست که در آن پول از پائین به بالا در حرکت است. ما در این جا دو نمونه را ذکر می‌کنیم:

۱- «صرافی ملی ایران در سال ۱۳۸۳ با مجوز بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران عمدتاً با سرمایه بانک ملی بصورت شرکت سهامی خاص تاسیس گردید و علی‌رغم محدودیت‌های بین‌المللی، نقش مهمی را در نقل و انتقال وجوه ارزی و ایجاد تعادل بازار ارز ایفا نموده است.»

۲- این نقل قول از سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است: «فهرست بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و سایر نهادهایی که مجوز تاسیس و فعالیت آنها توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران صادر و تحت نظارت قرار گرفته‌اند به شرح زیر اعلام میگردد: بانک و مؤسسه اعتباری، شعبه و باجه‌ی بانک‌ها و مؤسسات، شرکت واسپاری، صرافی، تعاونی اعتبار و صندوق قرض‌الحسنه.» و تحت هر کدام از این بخش‌ها، نام تعدادی مؤسسه آورده شده است.

از طریق این جریان است که تار و پود اقتصاد ایران به اقتصاد جهانی سرمایه یعنی ابر کنسرن‌های بین‌المللی وصل می‌گردد.

برای روشنائی بیشتر، نمونه‌هایی می‌آوریم:

دولت آمریکا ۵۰ بانک ایرانی و شعبات آن در کشورهای مختلف جهان را تحریم کرد. یکی از این بانک‌ها، بانک تجارت ایران-اروپا است، با سرمایه بیش از یک میلیارد دلار که با هدف تقویت صنایع دفاعی و صنایع هوایی و فضائی جمهوری اسلامی ایران تأسیس شده است.

بانک ایران و بحرین چنان فشرده و در هم ادغام شده است که به صورت سرپوشی جهت فعالیت‌های اقتصادی ایران و ورود واردات و خروج

صادرات بدون رهیابی تأسیس شده است. BMI بانکی است که در خدمت صنایع و مؤسسات مالی ایران تأسیس شده و نیمی از صادرات ایران را تحت کنترل دارد. این بانک دارای ۳۱۰۰ شعبه است که ۱۶ عدد آن در خارج از کشور است. معاملات این بانک بر مبنای قوانین بانکی اسلامی است که ملک فیصل در گذشته‌ها تنظیم کرد و تمام بانک‌های این زمینه در سطح بین‌المللی درهم ادغام هستند و سر آن به بانک انگلیس وصل شده است. عبدالحمید انصاری بنیان‌گذار و طراح بانک BMI ایران است. شعبه‌های خارجی این بانک در باکو، بحرین، هنگ کنگ، مسقط، موهاراک، مسکو، امارات عربی، و فعالترین آن در پاریس و لندن است. این بانک به بانک اسلامی انگلیس (Al Rayan Bank) وصل است و بانک اخیر شعبه‌ای است از بانک اچ اس بی سی، انگلیس با سرمایه ۲۰۳۷ تریلیون دلار.

معاملات تجاری بین دولت‌ها انجام نمی‌شود. نماینده دولت‌ها در معیت نماینده شرکت‌های بین‌المللی که بر این دولت تسلط دارند وارد کشوری می‌شوند که باید سرمایه به آن صادر شود. از این به بعد نماینده شرکت‌ها هستند که باهم معامله می‌کنند ولی هر سنت این معامله باید از طریق بانک انجام گیرد لذا بانک بر تمام حرکت سرمایه دو کشور احاطه پیدا می‌کند و آن را به کل سرمایه جهانی وصل مینماید.

بودجه سال ۱۳۹۹ حدود ۱۹۸۸ هزار میلیارد تومان تعیین شده است. هزینه بانک که مساوی درآمد بانک تعیین می‌شود حدود ۱۱۹ میلیارد تومان برآورد شده است. از این معادله فقط سهم بانک (بدون بیمه) در تأمین بودجه سال ۱۳۹۹ حدود ۵ درصد می‌شد.

بقیه بودجه ایران از اخذ مالیات تأمین می‌گردد. بورژوازی تجاری به نوعی نا گفته و نانوشته از مالیات معاف است. لذا مالیات را عمدتاً طبقه کارگر، دیگر زحمتکش‌ها، کارمندان و حقوق بگیران دولتی باید پرداخت کنند. رشد بودجه سالیانه به معنی رشد مخارج و در نتیجه تشدید استثمار طبقه کارگر است.

#### خرده بورژوازی

این طبقه که به لحاظ مناسبات زیر بنائی ارتجاعی است، از اقدار مختلفی تشکیل شده است که فرودستان آن به لحاظ سیاسی، جزو متحدین دیرپای پرولتاریا می‌باشند. دستفروشان، گاری‌چیان، معلمین دون پایه، دهقانان فقیر، دکانداران جزء، دانشجویان از طبقات فرودست، و غیره فرودستان این طبقه‌اند. دبیران دبیرستان، کارمندان ادارات، صاحبان فروشگاه‌های کوچک، دانشجویان از خانواده‌های متوسط، دهقانان میانه حال، قشر متوسط خرده بورژوازی هستند. کارمندان ارشد، دهقانان مرفه، مغازه داران و غیره قشر بالای این طبقه‌اند. قشر متوسط و بالای این طبقه گرایش شدید به بورژوازی دارند و نمایندگان سیاسی آن‌ها

بسیار دمدمی مزاج و اپورتونیست هستند. لذا در این مرحله از تاریخ کشورمان نمی‌توانیم از اتحاد بزرگ ملی یعنی اتحاد بورژوازی، خرده بورژوازی و طبقه کارگر برای انقلاب سوسیالیستی صحبتی در میان باشد. در عین حال شعار اتحاد توده مردم نیز به دلیل بی‌مرز بودن آن، کار را به مصالحه با خرده بورژوازی مرفه و بورژوازی میکشانند. شعار درست در بسیج اکثریت جامعه می‌تواند: "اتحاد پرولتاریا، زحمتکش‌ها و آزادیخواهان مترقی" باشد. این شعار در شرایط مساعد می‌تواند منبسط شود و در شرایط نامساعد منقبض گردد.

#### ۵- انباشت سرمایه در ایران

مارکس می‌گوید سرمایه دارای یک قانونمندی سه وجهی است. انباشت، مرکز گرائی و گرایش به بین‌المللی شدن.

بر مبنای این قانون عام تمام سرمایه‌های جهان با گذشت از پروسه‌ها و روندهائی خود را به بالاترین سطح انباشت بین‌المللی می‌رسانند. این امر در کشورهای سرمایه‌داری کلاسیک مثل انگلیس، فرانسه، آلمان، چین، روسیه و غیره از گذرگاه‌های زیر می‌گذرد. سرمایه در جریان استثمار کارگر تولید میشود، در شرکت تولید کننده انباشت میشود. بخشی از این سرمایه به صورت مالیات به انبار دولت واریز میشود. این انبار دو هدف دارد. ۱- ایجاد امکانات مساعد جهت حفظ نظم موجود و تکامل آن در خدمت نظام سرمایه‌داری. ۲-

کمک به شرکت‌های عظیم تولیدی و خدماتی در صورت گرفتاری مالی. در این مورد با مجهز شدن پلیس همه کشورهای سرمایه‌داری به جدیدترین وسائل و ابزار درگیری‌های خیابانی و وابسته کردن سیستم قضائی به درخواست‌های طبقه فوقانی، سازماندهی معیشت مردم و از این راه چپاول آنها به صورت افزایش قیمت‌ها را از یک جانب و کمک‌های بی‌دریغ و بلاعوض به شرکت‌ها و بانک‌های در حال «ورشکستگی» را از جانب دیگر می‌بینیم. جریان سرمایه در آن کارخانه تولید کننده جانب دیگری هم دارد. بخشی از ارزش اضافه تولید شده در خدمت حفظ خود به صورت پیدا کردن بازار صرف میشود و بخشی در جریان پیشبرد امر رقابت. این جریان اخیر تعیین کننده است. اگر شرکت مذکور برنده شود، ثروت شرکت بازنده در انبار شرکت برنده جمع خواهد شد و شرکت بازنده از بین خواهد رفت و یا در همین شرکت ادغام خواهد شد. بر مبنای همان قانونمندی سه وجهی سرمایه، این رقابت باعث تشدید انباشت و تمرکز سرمایه در شرکت‌های بزرگتر میشود. تا جایی که در سطح ملی کنسرن‌ها و انحصارات بزرگ پدید می‌آیند که مرحله بعدی به انحصارات بین‌المللی تبدیل میشوند و سرمایه در نقاط بسیار کوچک هم جهانی انباشته می‌گردد. در نتیجه در جوامع سرمایه داری کلاسیک، ثروت در دو شاخه دولت و شرکت‌ها هر روز بزرگ‌تر شوند تقسیم



میشود و انباشته میگردد.

در ایران این جریان طبیعی حرکت سرمایه دچار اخلاص گردیده است. سرمایه در یک کارخانه تولیدی میشود. به دو بخش تقسیم میگردد. مالیات دولتی اخذ میگردد ولی رقابت داخلی کارخانجات مشابه به علت حضور بی رویه محصولات خارجی مشابه تا اندازه‌ای از حرکت باز میماند. کارخانه بجای رقابت با کارخانه دیگر داخلی و تبدیل شدن به کنسرن ملی و سپس بین‌المللی، در رقابت با حریف خارجی هر روز تضعیف میگردد. ماشین‌ها کهنه میشوند و تولید به خوبی پیش نمیرود. با این وجود بالاخره سرمایه بر مبنای قانونمندی خود به بالا حرکت کرده، تمرکز یافته و تعدادی از شرکت‌های بزرگ در صحنه داخلی به وجود آورده است. ولی حضور آنها با حضور شرکت‌های بزرگ در صحنه کشورهای سرمایه‌داری کلاسیک فرق میکند. در ایران حضور آنها یا به دلیل وابستگی به شرکت‌های بین‌المللی تحمل میشود و تقویت میگردد و یا در رقابت با آنها به علت عدم حمایت دولتی کم کم تضعیف شده و از بین میروند. از جانب دیگر ثروتی که در خزانه دولت ایران انباشت میشود، نه برای تقویت صنایع داخلی و نه برای سازمان‌دادن معیشت مردم و زندگی آنها در جهت جلوگیری از حدت تضادهاست. بلکه جهت تبدیل ثروت دولتی به پول و انباشت کیسه خود، پرداخت این ثروت به صورت پول اهدائی به سازمان‌ها و دولت‌های تروریستی و غیره و تقویت نیروهای مسلح است. لذا شرکت‌های تولیدی و خدماتی ایران قادر نشده‌اند به شرکت‌های عظیم بین‌المللی تبدیل شوند. با ادامه چنین شرایطی ایران نه تنها نمیتواند به جرگه کشورهای امپریالیستی وارد شود بلکه از این هم به لحاظ تکامل اقتصادی و اجتماعی ضعیف‌تر خواهد شد. در عین حال حرکت ثروت در جامعه به صورت حرکت پول تظاهر مییابد. چه در معاملات بزرگ و چه در معاملات کوچک. ولی این پول فقط در ابعاد کوچک و بسیار کوچک دست به دست رد و بدل میشود. حتی در خرید مواد غذایی هم اغلب پول واقعی دست به دست نمیشود. بلکه کارت بانکی حضور دارد. پول از طریق بانک در حرکت است و دقیقاً از طریق بانک در جامعه ایران تمرکز مییابد و به بالا می‌رود. در این جریان مکنده‌های کنسرن‌های بین‌المللی بر همه شاخک‌های بانکی فرو رفته است. من در این نوشته یکی دو مثال آورده‌ام. در نتیجه سرمایه در نهایت بخشی در جیب افرادی از طبقه سرمایه‌دار، بخش عظیمی در انبار کنسرن‌های بین‌المللی، بخشی در انبار سازمان‌های تروریستی و بخشی در انبار نیروهای مسلح علیه مردم انباشته میگردد و بخش ناچیزی در انبارهای که به زندگی روزمره مردم ربط دارد انباشت میشود.

#### ۶- رونمای سیاسی - فرهنگی

دولت در ایران به مانند تمام دولت‌های جهان

نماینده طبقه حاکم است. یعنی نمایندگی نظام سرمایه‌داری ایران است. دولت ایران دولت سرمایه‌داریست. اجزاء متشکله این دولت نیز همین امر را می‌رساند:

۱- نیروهای نظامی ایران با مدرن‌ترین سلاح‌ها، مجهزترین لباس‌ها و تجهیزات و آخرین دانش‌ها و متدهای سرکوب داخلی و دفاعی خارجی در تطابق کامل با دستاوردهای سرمایه‌جهانی در این زمینه، در خدمت حفظ سلطه سرمایه، سازمان‌داده شده‌اند.

۲- زندان‌های ایران دیگر زندان قزل‌قلعه نیاوند به طریق گذشته نیست. زندان‌های ایران منطبق با آخرین دستاوردهای روانشناسی، در نوع ساختمان سلول‌ها، پردازش نور و شرایط زندان و ابزارهای شکنجه، برای ازپا درآوردن روحی و جسمی زندانیان سیاسی بنا گردیده‌اند.

۳- سازمان‌های سرکوب:

۱- سازمان نیروهای نظامی مسلح به مدرن‌ترین سلاح‌های سرکوب و کشتار جمعی. رژیم ایران با این ابزار، سیاست فاشیستی بر مردم اعمال می‌کند.

۲- سازمان روحانیت مسلح به آئین شیعه و تجربیات ۱۴۰۰ ساله در تحمیق مردم و قبول این آئین به عنوان دین رسمی جامعه. رژیم ایران با این ابزار، سیاست فاشیستی بر مردم را تحمل پذیر مینماید.

در مورد سازمان نیروهای مسلح ایران بحثی نیست ولی در مورد سازمان روحانیت و آئین شیعه در بین نیروهای انقلاب زاویه وجود دارد. بدین معنا که بخشی معتقدند که آئین شیعه یک ایدئولوژی و آئین فتوایی است. برخی نیز بر این عقیده هستند که این‌ها ابزارهای حاکمیت بورژوازی هستند.

لذا ضروریست در این مورد کمی کاوش کنیم.

آیا رونمای جامعه اسرائیل برده‌داری - سرواژ است؟ زیرا یهودیت در حدود سه هزار سال پیش در جامعه برده‌داری - سرواژ پا به عرصه وجود گذاشت.

آیا رونمای آلمان امپریالیستی قبیل‌ای و سرواژ است؟ مسیحیت در ۲۰۲۰ سال پیش در جامعه برده‌ای - قبیل‌ای - سرواژ ظهور کرد. دولت آلمان در ۲۰۱۵ حدود ۲ میلیارد یورو کمک بلاعوض به کلیسای کاتولیک کرد. آیا این کمک برای تحکیم تفکر فتوایی در آلمان بود تا تحکیم تفکر لیبرالیسم سرمایه‌داری

آیا سیستم فکری مردم ژاپن که بودیست هستند، جامعه اشتراکی قبیل‌ایست؟ چون بودیسم در جامعه‌ای به وجود آمد که هنوز طبقات متخاصم در نطفه بودند.

آیا دین می‌تواند تعلق طبقاتی داشته باشد؟ به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن نمونه‌های فوق و صدها نمونه دیگر، جواب منفی است. زیرا اگر دین تعلق طبقاتی داشت، با از بین رفتن

زیربنایش، محو می‌گردید.

همان طور که سرمایه داری در تقابل مرگ و زندگی با نظام فتوایی است، به همان اندازه با رونمای فتوایی در تقابل است. انقلاب فرانسه نه تنها اقتصاد فتوایی را از ریشه برکنند بلکه دولت فتوایی و کلیسای در خدمت فتووال‌ها را نیز از ریشه زد. ولی وقتی بورژوازی قدرتش را در فرانسه مستقر کرد، کلیسای در خدمت خودش را نیز برقرار نمود. این کلیسا دیگر کلیسای فتوایی نبود بلکه کلیسای سرمایه داری بود.

همین آخرین مثال نشان می‌دهد که دین یک ابزار حاکمیت استثمارگرانه است. هر رژیم استثمارگری بر مبنای جایگاه جغرافیایی، شرایط فرهنگی و درجه استقرار خودش، از ابزار دین برای تحکیم و ابدی ساختن نظامش استفاده می‌کند. امپریالیسم آمریکا با خرج ۱۸ میلیون دلار در پاکستان برای برپائی مدرسه تعلیم قرآن،

به تحکیم سلطه خودش کمک کرد نه سلطه فتووال‌ها. امروز رژیم جمهوری اسلامی با در دست گرفتن مذهب شیعه به تحکیم ساختار سرمایه‌داری و سلطه دولت سرمایه‌داری پرداخته است. بعضی‌ها معتقدند که دین یک ایدئولوژی فتوایی است که سرمایه‌داری برای تحکیم خود از آن استفاده می‌کند. این امر یک ساده انگاری بیش نیست. زیربای طبقه‌ای نمی‌تواند با رونمای گذشته خود را تحکیم کند. زیرا خود آن سیستم، این رونمای گذشته را خرد کرده و رونمای خودش را به وجود آورده است. این نظر فراموش می‌کند که دین یک ابزار، یک وسیله است و مهر وابستگی‌اش تا آن اندازه است که باید گفت: دین ابزار ابدی سازی سلطه طبقات استثمارگر است. در نتیجه دین ابزار است که کلیه طبقات استثمارگر در هر دوره‌ای از آن برای سرکوب روحی مردم استفاده می‌کنند. امروز سرمایه‌داری ایران از مذهب شیعه، به عنوان یک ابزار - برای آرام کردن مردم زیر سلطه فاشیسم سود می‌جوید. این امر در مورد دادگاه‌های شرعی نیز در جمهوری اسلامی صادق است.

#### ۷- مسأله دموکراسی در ایران

با نگاهی به معضلات جامعه و درخواست‌های دموکراتیک روشن می‌شود که هیچ کدام از این درخواست‌ها نتیجه‌ی مبارزه نا رسای بورژوازی علیه فتوالیسم نیستند که جامعه سرمایه‌داری باید در حل آن بکوشد. تمام معضلات جامعه از استثمار سرمایه‌دارانه‌ی طبقات زحمتکش نشأت می‌گیرد. اگر بورژوازی گامی در جهت منافع مردم بردارد، دیگر بورژوازی نیست. بورژوازی با اجحافات اقتصادی سیاسی مسائل دموکراتیک می‌افزیند. که اتفاقاً حل نهائی آن‌ها در جامعه سوسیالیستی ممکن می‌گردد. بسیاری از انقلابیون و حتی کمونیست‌ها بر این نظر هستند که چون مسائل حاد دموکراتیک در جامعه وجود دارد پس انقلاب آینده دموکراتیک است تا این مسائل در آن



حل شوند و بعد انقلاب سوسیالیستی در دستور قرار می‌گیرد. این یک نظر ضد مارکسیستی و اپورتونیستی است. زیرا مرحله انقلاب را با تحولات روبنائی توضیح می‌دهد و نه زیر بنائی. استدلال ایشان هم این است که روبنا در زیر بنا تأثیر می‌گذارد. این صحیح است که رو بنا در زیر بنا تأثیر می‌گذارد ولی تأثیر آن تا این اندازه نیست که مرحله انقلاب را تغییر دهد.

دوما این نظر هنوز برای بورژوازی رسالت حل معضلات را قائل است.

مهمترین درخواستهای دمکراتیک در جامعه ایران عبارتند از آزادی تشکل، آزادی بیان، آزادی نشریات، آزادی پوشش، برابری زن و مرد، جدائی دین از دولت، رفع ستم ملی.

تمام درخواستهای دمکراتیک فوق ناشی از محدودیت‌هایست که سرمایه‌داری در جامعه ایجاد کرده است.

مثلا برابری زن و مرد: در تمام جوامع سرمایه‌داری کار زن به مراتب ارزانتر از کار مرد است. زنان در کار مساوی با مردان حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد کمتر مزد می‌گیرند. و این نابرابری در جوامع مختلف سرمایه‌داری که در آن فرهنگ‌های متفاوتی وجود دارد، به اشکال و درجات متفاوت ظاهر می‌شود.

و یا آزادی بیان. در هیچ یک از جوامع سرمایه‌داری به طور واقعی آزادی بیان وجود ندارد. منتها در جوامع سرمایه‌داری که تضادها آنچنان شدت نیافته‌اند که به درگیری طبقاتی بیانجامد، دریچه سخن گفتن تا اندازه‌ای که حاکمین تعیین می‌کنند باز است.

به مجرد تشدید مبارزه طبقاتی در همین کشورها، در خفه کردن هر صدای معترضی سعی می‌گردد. جامعه آلمان هیتلری سرمایه‌داری بود که تحمل حتی یک کلمه نا موافق را نداشت و جامعه امروز آلمان هم سرمایه‌داریست که می‌توان تا حدی و محدود سخن گفت. در مورد جدائی دین از دولت. همه دولت‌های سرمایه‌داری با صدای بلند اعلان می‌کنند که لائیک هستند و دین از دولت جداست ولی همین دولت‌ها

میلیاردها دلار برای تقویت دین هزینه می‌کنند. در بالا کمک بلاعوض دولت آلمان به کلیسا گفته شد. در عین حال هر آلمانی موظف است ۱۵ درصد به کلیسا مالیات بدهد. مالیات کلیسا. با این مثال‌ها روشن می‌گردد که درخواست‌های دمکراتیک در جامعه ایران نه ریشه در استثمار فتودالی بلکه ریشه در استثمار بورژوازی از طبقات فرو دست دارد و حل نهائی آن‌ها در جامعه سوسیالیستی ممکن می‌گردد.

**خلاصه مطالب بالا:**

ایران

ایران کشوریست سرمایه‌داری. به علت عدم وجود کارخانجات سازنده ابزار تولید صنعتی، سرمایه‌های صنعتی ایران وابسته به کنسرن‌های دارنده این کارخانجات هستند. بدین جهت سرمایه‌داری ایران به انواع و اقسام کنسرن‌های

جهانی وابسته است. این وابستگی در عین حال با وابستگی کل اقتصادی ایران به کنسرن‌های مالی مثل بانک جهانی و IWF همه جانبه می‌گردد. رژیم ایران که در داخل کشور هر روز از اکثریت مردم منفرد می‌شود، سعی دارد با تقویت اقتصادی طرفداران خارجی، پایه‌های بین‌المللی خود را تقویت نماید.

دولت در ایران: در رژیم‌های ماقبل سرمایه‌داری دولت و طبقه به حد زیادی در هم ادغام بودند. در رژیم سرمایه‌داری دولت از پروسه تولید جدا می‌شود. در ایران از یک جانب دولت از پروسه تولید جدا می‌شود و از جانب دیگر دولتمردان در پروسه تولید سهم می‌گردند. این یکی از ویژگی‌های دولت در ایران است.

ثروت انباشته شده در دولت (مالیات و درآمد نفت) به چهار بخش تقسیم می‌گردد: ۱- ریزش به حساب‌های شخصی. ۲- تخصیص به بودجه مملکتی. ۳- ریزش به حساب سازمان‌ها و دولت‌های تروریستی و ارتجاعی. ۴- ریزش به صنایع و درخواست‌های تسلیحاتی

لذا وابستگی اقتصادی سیاسی ایران به کنسرن‌های بین‌المللی جای وابستگی سیاسی ایران به کشورهای امپریالیستی را گرفته است.

ثروت (ارزش اضافه تولید شده توسط کارگران) در ایران در جهات مختلفی جریان می‌یابد: a- صاحبان کارخانجات تولیدی. b- مالیات دولتی. c- بانک‌ها. \*

بورژوازی صنعتی، به علت عدم پشتیبانی صنایع داخلی از جانب دولت و عدم توانائی این صنایع در رقابت با محصولات خارجی و کهنه بودن ماشین‌ها تحت محاصره اقتصادی طولانی، هر روز به ضعف می‌گراید. از زمان حاکمیت ترامپ در آمریکا دولت سعی در حمایت صناعی که به نوعی تحریم گشته‌اند، کرده است ولی به علت سیاست‌های ارتجاعی رژیم در این امر موفقیت کمی حاصل شده است.

بورژوازی تجاری: که از بلعیدن شخصی درآمد نفت به وجود آمده است، بخشی از اقتصاد وارداتی و صادراتی را در اختیار دارد که قسمت اعظم آن قاچاق است. از قاچاق مواد مخدر تا قاچاق مواد داروئی. این بورژوازی انگلی‌ترین نوع خود در جهان است.

بورژوازی ربائی ایران: که صرافان و بانک‌ها را دربر می‌گیرد. اعظم وابستگی و ارتباط اقتصاد و سیاست ایران از این طریق با جامعه مالی و سیاسی بین‌المللی وصل می‌شود.

در نظام امپریالیستی به علت رشد ناموزون و ناشی از آن تحول در سازمان تولید، تمام کشورهای نیمه مستعمره - نیمه فتودال به کشورهای سرمایه‌داری تکامل یافتند که از بین آن‌ها بعضی‌ها تا فاز امپریالیستی شدن پیش رفته‌اند. ولی ایران به علت اخلاص در پروسه رقابت داخلی بین صنایع و حضور گسترده رقبای خارجی و سیاست‌های

دولت و محاصره اقتصادی، کنسرن‌های عظیمی که بتوانند پا بر صحنه بین‌المللی بگذارند نتوانست شکل بگیرد و ایران قادر نگردیده به مانند هند به یک کشور امپریالیستی تکامل یابد.

کارگران ایران، نسبت به هر طبقه و نسبت به کل طبقات در کشور، اکثریت دارد. این طبقه از پنج قشر تشکیل شده است: کارگران صنعتی بین‌المللی، کارگران صنعتی معمولی، کارگران سنتی، کارگران فکری و سرکارگران. کارگران صنعتی بین‌المللی پیشروترین و جهانی‌ترین قشر کارگران هستند و سرکارگران عقب مانده‌ترین و بازدارنده‌ترین این اقشار به شمار می‌روند.

خرده بورژوازی ایران (شهر و روستا) بعد از طبقه کارگر، پرشماریترین در ایران است. که به اقشار مختلفی (فقیر تا مرفه) تجزیه گردیده است.

تنگناها در زمینه‌ی دمکراتیک در کشور ما ناشی از حضور فتودالیسم در زیر بنا و رو بنا نیست.

درخواست‌های دمکراتیک در ایران ناشی از ستم سرمایه‌داری بر زنان، جوانان، ملیت‌ها و مذاهب غیر از شیعه و غیره است. لذا شرکت در

مبارزات دمکراتیک مردم بخشی از مبارزه علیه سرمایه‌داری است. ما کمونیست‌ها می‌بایست در این مبارزات شرکت کنیم. باید این جویبارهای

پراکنده را با سمت دهی به تشکل و آمادگی سرنگونی مسلحانه رژیم جمهوری اسلامی، به هم پیوند دهیم. اگر فقط با هدف برآورده شدن این

خواست‌ها در همین نظام مبارزه کنیم، مبارزه ما، یک مبارزه رفرمیستی خواهد بود. اگر تصور کنیم که زمینه‌های مبارزات دمکراتیک ناشی از

واپس مانده‌های فتودالیسم است، در آن صورت ما در مبارزات دمکراتیک مردم شرکت می‌کنیم تا در همین ساختار سرمایه‌داری آن را برآورده سازیم و این ارتجاعی است.

بهرنگ

۱۸،۶،۲۰۲۰





## مبارزه میان دو طبقه : سرمایه دار و کارگر

سرنوشت ایران را تنها طبقه کارگری تواند ریشه‌ای تغییر دهد و جامعه نوینی را جایگزین کند. حضور روزانه کارگران در اعتصابات، تظاهرات و در زندان‌ها از یکسو و طرح بدیل کارگری در جامعه از سوی دیگر، این امر را به یک واقعیت اجتناب ناپذیری تبدیل کرده است. به همین دلیل در این روزها مبارزه‌ای آشکار بین دو خط مشی دودوره در کلیه زمینه‌ها حادث شده است.

از زمان انتشار مانیفست حزب کمونیست که طبقه کارگر بعنوان یک طبقه آگاه، برنامه سیاسی طبقاتی خود را در حزبی متشکل و پیشرو، سوسیالیسم اعلام کرد و مارکس و انگلس تاکید کردند که کمونیست‌ها هیچگاه عقاید خود را پنهان نمی‌کنند، نزدیک دو قرن می‌گذرد. از آن زمان تا بحال این طبقه و احزاب سیاسی پیشرو آن در انجام این وظیفه تاریخی مبارزه به اشکال گوناگون و در کشورهای مختلف را علیه بورژوازی به پیش برده‌اند. تجربه این مبارزات نشان می‌دهد؛ حل تضاد میان دو طبقه بورژوازی و طبقه کارگر امری است که به آسانی به پیروزی دست نیافته و حزب سیاسی انقلابی طبقه کارگر باید افکار عمومی بویژه کارگران و توده‌های وسیع ستمدیدگان را برای به سرانجام رساندن این وظیفه فراهم سازد.

به صد سال گذشته مبارزه طبقاتی در ایران نگاهی بیندازیم. بورژوازی برخاسته از جامعه‌ی دو سه هزار ساله‌ی ایران بطور عمده کمپرادور و بوروکراتیک در خدمت سرمایه جهانی امپریالیستی عمل کرده است و نمایندگان سیاسی حاکم آن، دیکتاتوری مطلقه‌ی بس خشن نسبت به طبقه کارگر و احزاب و سازمان‌های آن اعمال کرده‌اند. کافی است به وضع کنونی این طبقه بیست میلیون‌ی که با خانواده بیش از نیمی از کل جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند نگاهی اندازیم آنها نه تنها میلیون‌ها خانواده کارگری را به خاک سیاه نشانده‌اند، امروز هم شدیدتر از هر زمان دیگر به توطئه‌گری علیه این طبقه و احزاب و نهادهای طرفدار آنها مشغولند. طبقه بورژوازی ایران پتیاره‌ای است با هزار چهره‌ی کریه.

\* روزی در شکل سرباز قزاق روس در میاید و طبق برنامه سیاسی لرد کرزن انگلیس در برابر خطر بلشویسم در ایران پرچم ناسیونالیسم را بلند می‌کند،

\* روزی دیگر کودتای آمریکایی علیه مصدق را قیام ملی می‌خواند و سرکوب نیروهای چپ و کمونیست را بار دیگر عملی می‌کند،

\* روزی دست در دست امپریالیسم سلطنت را برمی‌دارد و خلیفه‌گری را جایگزین می‌کند، امروز طبقه کارگر و احزاب و سازمان‌های طرفدار آن با اوضاع بغرنجی روبرو هستند. بورژوازی و

بخشی از خرده بورژوازی در صحنه سیاسی چه در درون حاکمیت چه در بیرون آن با هرگونه تغییر به سود طبقه کارگر مخالفتند. سرمایه جهانی هم در سمت آنها ایستاده است و برای رژیم چنچ در چارچوب نظام سرمایه‌داری تلاش می‌کند. اما این بار طبقه کارگر از لحاظ کمی و کیفی تغییرات اساسی کرده است. نیروهای کمونیستی و چپ در این صد سال گذشته از خود گذشتگی‌های فراوانی نشان داده‌اند با اینکه در نبردهای پی در پی با بورژوازی شکست خورده‌اند اما هر بار رفقای خود را به خاک سپرده، خون‌ها را پاک کرده‌اند و با درس‌گیری از اشتباهات بادرایت‌تر عمل کرده‌اند. در دهه گذشته طبقه کارگر با خود سازماندهی در جریان مبارزه روزانه و ایجاد یک گرایش مقاومت و مبارزه مستقل از سطح کارخانه‌ها، موسسات و شهرک‌های صنعتی که در سطح جهان نمونه است و گرایش عمومی احزاب و سازمان‌های چپ به آنها، این طبقه را به بدیل راستین برای تغییر ریشه‌ای جامعه تبدیل کرده است. افشای تجربه تومار ۶۰۰۰ امضا نمونه ایست از درایت و هوشیاری نمایندگان واقعی کارگران در صحنه مبارزه.

در اوضاع کنونی ایران رژیم حاکم با بحران ساختاری سیاسی و اقتصادی شدیدی روبروست. طبقه کارگر ایران با تمام سرکوب‌های شدید دایمی ایستاده و برای کسب حقوق خود مبارزه می‌کند. در این چهل سال گذشته بخصوص پس از سرکوب خونین تشکلات کمونیستی و انقلابی، رژیم جمهوری اسلامی دشمن اصلی خود را گرایش راست و وابسته به امپریالیسم آمریکا می‌داند. اما با تبدیل شدن طبقه کارگر بعنوان یک حرکت اجتماعی بزرگ این وضع بخصوص پس از خیزش آبانه‌ها ۹۸ تغییر کرده است. مبارزات طبقه کارگر در اعتراضات و اعتصابات پی در پی، مقاومت و ایستادگی پیشروان این طبقه در زندان‌ها، رشد هر چه بیشتر گرایش یکی شدن و اتحاد میان حرکت‌های کارگری بویژه ایجاد پیوندی گسترده‌تر میان تشکلهای کارگری و دیگر تشکلات اجتماعی چون معلمان، دانشجویمان و مهمتر پیوستن زنان و خانواده‌های کارگران به اعتصاب کنندگان و اعتراض کنندگان امروز طبقه کارگر ایران به نیروی اصلی تغییر در جامعه تبدیل شده است. با توجه به این وضع است که ما با حرکت موازی سازی و طومار جمع کنی توسط نیروهای امنیتی ایران علیه جنبش کارگری روبرو هستیم.

جلوگیری از رادیکال شدن جنبش کارگری این روزها به وظیفه اصلی حکومت تبدیل شده است. این سیاست نقطه‌ی مشترک بورژوازی ضد کارگری ایران و امپریالیسم و دارودسته ترامپ در کاخ سفید هم هست.

درست بخاطر چنین وضعیتی است که مبارزه میان دو خط مشی در درون جنبش کارگری و بطو

کلی در کل جامعه نمایان‌تر شده است. حزب رنجبران ایران بعنوان گردانی از این جنبش کارگری صد ساله از پیشروان طبقه که در دفاع از منافع راستین طبقه ایستاده اند و با هرگونه رویزونیسم و رفرمیسم مبارزه کرده اند پشتیبانی کرده است. حزب رنجبران ایران خود را جدا از این طبقه ندانسته و نمی‌داند. هرچه جنبش کارگری بسوی سازماندهی بدیل سیاسی خود گام بردارد بورژوازی و احزاب و سازمانهای آن بیشتر دست به توطئه می‌زنند، اما توفان عظیم مبارزه طبقاتی هر روز بیشتر توده‌های وسیع کارگران را به مبارزه می‌کشاند، توده‌های ستمدیده بیشتر به دور طبقه کارگر جمع می‌شوند. این حرکت تاریخی را دیگر هیچ نیرویی قادر به جلوگیری نیست.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

مرگ بر امپریالیسم

پیروز باد بدیل انقلابی کارگری

زنده باد سوسیالیسم

مبارزه میان دو طبقه : سرمایه دار و کارگر

محسن رضوانی

### از نامه های رسیده

هیئت تحریریه نقد رفیق را به نویسنده مقاله فرستاد و جواب رفیق را هم دریافت کرد. هیئت تحریریه برای آشنایی بیشتر خوانندگان با نظرات رفقای دست اندر کار در نشریه رنجبر هر دو نوشته را چاپ می‌کند.

رفقای عزیز با درود فراوان به شما، در رنجبر شماره ۱۸۰ در مقاله‌ای تحت عنوان «جبهه‌ی متحد ضد فاشیستی چگونه شکل گرفت» در صفحه ۳، بالای ستون آخر می‌خوانیم:

«آزمایش انواع و اقسام سلاح‌های کشتار جمعی، گسیل نیروهای نظامی به اطراف کشورهای دیگر، آزمایشات هولناک سلاح‌های بیولوژیک، اعمال قهر و زور شبه فاشیستی به صورت محاصره اقتصادی کشورها، به ویژه از جانب آمریکا، و دخالت‌های مستقیم در امور کشورهای دیگر، مثل دخالت آمریکا و ایران در امور عراق، دخالت چین در امور هنگ‌کنگ و تایوان، همه و همه به تنش و نا آرامی در جهان می‌افزاید.»

که مرا وادار به جلب توجه شما به نکته مهمی در این نقل قول کرد. فکر نمی‌کنید این برخورد به دولت چین که در اوضاع کنونی حالت دفاعی را در مقابل راس نظام دارد نارواست. از این گذشته هونگ کنگ از سال ۱۹۹۹ از امپریالیسم انگلیس



سلطه خود در می آورد. قبایل حجاز بنام اسلام و با شمشیر بر می خیزند و امپراتوری ساسانیان را در هم می کوبند. مغولان از دورترین نقطه شرق آسیا با گذشتن از منطقه کنونی ایران خود را به دروازه های ارو پا می رسانند. همه اینها می آیند و می روند، می کشند و می سوزانند و توده های مردم را به خاک سیاه می نشانند اما بار دیگر آنها بلند می شوند خون هارا پاک می کنند و برای تغییر جهان همچنان به مبارزه ادامه می دهند. کلیه تجاوزگران تا بحال همان منطق چرچیل را داشته اند. خود را ناجی دوران و از نژاد برحق و برتر اعلام کرده و تجاوزات خود را توجیه کرده اند.

امروز هم رئیس جمهور آمریکا آقای دونالد ترامپ از همان قماش است. اصل ونسب پلیس نژاد پرست آمریکای امروز را باید در اروپای دیروز جستجو کرد که در مقایسه با دیگر تجاوزات تاریخی دیگر چون نافش به نظام طبقاتی سرمایه داری موجود بند است، گسترده تر و طولانی تر ادامه یافته است. جهانی شدن این جنبش اعتراض درست بخاطر وجود دشمن مشترک مردم جهان امپریالیسم آمریکاست. هنوز توده های وسیع مردم در اکثر کشور های جهان قربانیان تجاوزات ارو پائیان یعنی استعمارگران و امپریالیستها هستند . جرج فلویدر را که در عرض هشت دقیقه نماینده نظام حاکم خفه کرد ادامه ی همان تجاوز تاریخی باید به حساب آورد. سراسری شدن اعتراض را باید به حساب ستم و تجاوز قرنیه گذاشت که هیچ بودگان نسل اندر نسل زیر لگد تجاوزگران له شده اند. هیچ انترنا سیونالی و هیچ همبستگی جهانی به گستردگی این حرکت تابحال نبوده است. میلیون ها انسان در جهان از جوان تاپیراز هر رنگ پوستی و نژادی، زن و مرد به اعتراض برخاستند.

بزرگترین خدمت مارکس به بشریت اینست که درجه آگاهی بشریت را به آنجا رساند که توانست علل کلیه این تجاوزات و ستمگری را باز یابد و توضیح دهد. مارکس یاد آور شد تاریخ اجتماعی بشر نشان مید هد که نه تنها جوامع به طبقات تقسیم شده اند و نه تنها مبارزه میان طبقات نیروی محرکه تغییرات در جامعه بشری بوده است و کشف این دو نکته را به حساب دیگران می گذارد، او یاد آور می شود این طبقات و مبارزه طبقاتی تا آنجا تکامل می یابد که یک طبقه، طبقه دیگر را بر می اندازد و دیکتاتوری خود را جای دیکتاتوری قبلی می نشاند.

تاریخ جهان با تمام رشد ناموزونی و تفاوت های اقلیمی که تاثیرگذار در روند تکاملی آنها بوده است، تاریخیست ماتریالیستی که بهم پیوندی ناگسستنی دارد و چون نیک در جام جهان نما بنگری بخوبی دلیل وجودی تبعیض و نژاد پرستی را می توان مشاهده کرد. این حقیقت سترگ تاریخی را که مارکس بیان می کند. امروز در صف آرایی مبارزه طبقاتی در آمریکا به روشنی می توان دید . رئیس جمهور نژاد پرست شبه فاشیست نماینده راست ترین جناح های سیاسی در برابر توده های وسیع پائینی ها ایستاده و سیاست نفاق انداز و حکومت کن را در پیش گرفته است. . مارکس درست گفت که از پنجه های طبقه

جزیی از کشور بزرگ مدعی بوده باشد - به کشور دیگر به ویژه کشورهای بزرگ امپریالیستی مخالف است. این امر از ذات آزادی طلبانه جهان بینی پرولتری برمی خیزد و لینن آن را در کتاب «امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه داری» به خوبی توضیح داده است. این که امپریالیسم آمریکا در هنگ کنگ و در جریانات سیاسی آنجا اعمال نفوذ مینماید، مانع افشای سیاست الحاق طلبانه دولت چین نمی شود. هم باید این را افشا کرد و هم آن را.

۳- در مورد تایوان نیز در بر همین پاشنه میچرخد. من موافق کشور بزرگ هستم تا کشور کوچک. زیرا در کشور بزرگ پرولتاریای پر شمارتری علیه دولت مرتجع مبارزه می کند. لذا من موافق پیوستن هنگ و تایوان به چین هستم ولی این پیوستن باید داوطلبانه و طبق خواست اکثریت یک کشور و یا ملت باشد نه با زور. دولت چین زور اعمال می کند.

شاد و پیروز باشید  
بهرنگ

### رو به جنبش های توده ای مبارزه کنیم

میلیون ها تن از مردم آمریکا و جهان با تظاهرات سراسری خود در اعتراض به جنایت فجیع پلیس نژاد سفید پرست در خفه کردن جرج فلویدر، سیمای عمومی جهان را ریشه ای تغییر دادند.. آنها نه تنها عمل پلیس بلکه برده داری، نسل کشی مردم بومی را که از شرم آور ترین جنایت نژاد پرستان سفید پوست است را محکوم کردند. مجسمه های برده داران را که حکومت های سرمایه داری در میدان های بزرگ شهر بعنوان افتخار نصب کرده بودند را لجن پاشیدند، بعضی را سرنگون کردند و بر مجسمه وینستون چرچیل در مرکز شهر لندن نوشتند: نژاد پرست . چرچیل قهرمان ملی که در رای گیر ۲۰۰۲ بعنوان بزرگترین مرد تاریخ مردم انگلیس، انتخاب شد به کمیسیون سلطنتی فلسطین در سال ۱۹۳۷ چنین گفت:

”من باور ندارم که کاربزرگ نادرستی نسبت به سرخپوستان آمریکا یا سیاه پوستان استرالیا انجام شده است. من اعتراف بدین موضع نمی کنم چرا که به این واقعیت معتقدم که یک نژاد برتر، یک نژادی با درجه بالاتر، یک نژادی با بینشی جهانی آمده و جای آنها را پر کرده است ”

البته تاریخ تبعیض، برتری گرایی و سلطه مستبدان خونخوار در منطقه ما طولانی تر است . سرزمین ما بر اثر موقعیت ژئوپلیتیکی، قدمتش مورد تاخت وتاز و تجاوز جنایتکاران و صاحبان قدرت داخلی و خارجی قرار گرفته است.. آریایی ها میایند و بومیان منطقه را نابود می کنند، خشایار شاه با لشکری میلیونی به یونان حمله می برود. اسکندر مقدونی با زور تا افغانستان را به زیر

باز پس گرفته شد و قانوناً متعلق به کشور چین می باشد، این امریکاست که در امور داخلی هنگ کنگ «دخالت» می کند، نه چین. نگارنده اسم خود را نیز در پایین مقاله خود گذاشته یعنی اینکه این موضع حزب رنجبران است. در هر صورت خواستم نظر شما را در این مورد جلب کنم.

با احترام،  
عطارد

جواب نقد:

با درود فراوان به رفیق منتقد مقاله «جهه‌ی متحد ضد فاشیستی چگونه شکل گرفت» در مورد نقد شما مایل هستم چند نکته را توضیح دهم:

۱- امروزه به درستی می‌بایست نوک تیز حمله تمام انقلابیون جهان به سمت امپریالیسم آمریکا نشانه رود. این یک سیاست درست است که حزب رنجبران آن را مصرا نه دنبال می‌کند. ولی این بدان معنا نیست که سیاست‌های امپریالیست دیگر را که تلاش می‌کند جای امپریالیسم آمریکا را بگیرد، افشا نکنیم. اگر ما در افشای سیاست‌های ارتجاعی چین، نکوشیم، وظیفه اساسی خود را که بالا بردن هوشیاری مردم به ویژه طبقه کارگر از امپریالیسم نواخته چین است و احتمالاً در آینده‌ای به دشمن اصلی بشریت تبدیل خواهد شد، انجام نداده‌ایم و خاک به چشم پرولتاریا پاشیده‌ایم. ما می‌بایست در عین مبارزه متمرکز علیه دشمن اصلی بشریت تمام دشمنان را افشا کنیم. به ویژه پرده برداشتن از سیاست‌های مخرب امپریالیستی که تلاش می‌کند جای دشمن اصلی را پر کند، در این افشاگری جای خاصی دارد.

۲- هنگ کنگ را دولت بریتانیا به خود ملحق کرده بود. این یک عمل الحاق‌گرایانه امپریالیسم انگلیس بود. امپریالیسم یعنی دامن زدن به ستمگری ملی و کشوری، که در شکل الحاق خود را نشان می‌دهد. مردم هنگ کنگ با الحاق خود به امپریالیسم انگلیس مبارزه میکردند. ولی این امر به هیچ عنوان بدان معنا نبوده و نیست که با الحاق خود به کشور دیگر موافق بودند. هنگ کنگ یک کشور است - با تمام خصوصیات و ویژگیهای آن؛ سیستم اداری، واحد پول ویژه، یک دولت مرکزی و غیره - در این کشور کوچک، طبقات مختلفی وجود دارد، مثل همه کشورهای دوران سرمایه‌داری.

پرولتاریای هنگ کنگ به عنوان یک طبقه هنوز اعلام نکرده است که با الحاقش به کشور چین موافق است. اکثر مردم با این الحاق ولی مخالفتند. به نظر من حزب رنجبران با پشتیبانی کامل از حق ملل در سرنوشت خویش تا جدائی و ایجاد دولت مستقل، با هر الحاق اجباری ملت‌ها و کشورها - حتی اگر این کشور کوچک در گذشته



سرمایه دار چرک و خون می چکد. تا ریخ نشان داد که در بسط و گسترش در سراسر جهان پنجه های چرکینش را با مغز معیوب نژاد پرستانه در دوران جدید تاریخی بکار گرفت و برای ابدیت بخشیدن به برتری نژاد سفید پوست، سیاه پوستان را نژاد عقب مانده، بومیان را وحشی، عرب ها را حشرات نامید. این تجاوز تاریخی در کشور ما ایران از دوران حکومت صفویه شروع شد، قدرت های سیاسی حاکم را به سگ های زنجیری خود تبدیل کرد و تا امروز به شیوه های پیشرفته و مدرن همچنان ادامه یافته است... تاریخ ننگ آور صاحبان فرقه های مذهبی، شوینسم قوم گرایی، ناسیونالیسم، مرد سالاری، تبعیض جنسیتی و... را سرمایه داری نه تنها از بین نبرده بلکه نهادینه کرده است. کافی است به ریشه افکار ولایت مطلقه فقیه یعنی علی خامنه ای رجوع کنیم تا ببینیم که چگونه انگلیس در برابر خطر کمونیسم؛ اسلام بنیاد گرا را پایه ریزی کرد. رژیم جمهوری اسلامی ایران و قشر روحانیت شیعه آن یکی از تبعیض گران و انحصار گران تاریخ کشورند. آنها خود را در ظاهر ضد امپریالیست نشان می دهند ولی در عمل همسو با سیاست های امپریالیستی تفرقه بینداز و حکومت کن خشن تر از ترامپ به سرکوب توده های مردم می پردازند.

حزب رنجبران ایران در همبستگی با میلیون ها تن از جوانان، زنان و مردان سراسر جهان اعلام می کند با تمام نیرو برای جهانی بدون تبعیض عاری از هر شکل و محتوای نژاد پرستی، شوینسم ملی، سکتاریسم دینی و مذهبی، ستمگری های جنسیتی بویژه ستم به زنان مبارزه می کند. بر ماست که ریشه های طبقاتی این نابرابری ها و تبعیضات و پیوند ناگسستی مبارزه علیه سرمایه داری و امپریالیسم را در نوسازی افکار عمومی جامعه بر ملا سازیم.

خامنه ای که خود پنجه هایش به کشتار کمونیستها و نیروهای آزادیخواه آلوده است و قیحانه با محکوم کردن عملیات پلیس آمریکا میخواهد از آب گل آلود ماهی بگیرد و جنایات نظام ولایت مطلقه فقیه را پرده پوشی کند. سلطنت طلبان و طرفداران رژیم شاهنشاهی سابق هم از سوی دیگر به نیروهای چپ و کمونیست که با این حرکت توده های وسیع مردم همسو شده اند حمله می کنند که مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی را فراموش کرده اند. سلطنت طلبان ادامه دهندگان همان دیکتاتوری های دو هزار و پانصد ساله اند که برای ادامه دیکتاتوری خود چشم در می آوردند و شکنجه می دادند و طبعاً نمی توانند از چنین جنبش عظیم جهانی دفاع کنند. آنها با هم هویت کردن خود با دارودسته ترامپ عملاً گور خود را کنده اند.

باید همه ی این اعتراضات و مبارزات را بهم پیوند داد، جهانی و سراسری بودن آن را همچنان تقویت نمود و پرچم یکی شدن بشریت مترقی را برای نبردهای پی در پی در مقابل مشتی کوچک از صاحبان قدرت سیاسی به اهتزاز در آورد.

در کشور ما و منطقه توده ها بارها در این سال ها پیا خاسته اند. بهار عربی، قیام شهرهای بزرگ ترکیه، اعتراضات میلیونی کارگران و تهیدستان قاره پر جمعیت هند برای تغییر بزرگ به میدان

آمده اند. توده ها فروماندگی و رسوایی حکومت ها را با مبارزات خود به نمایش گزاردند. کلیه حکومت های منطقه با زور اسلحه به زندگی نکتت بار خود ادامه می دهند.

تشکلات کمونیستی و سوسیالیستی بعنوان جزئی از طبقه کارگر وظیفه دارند بخاطر پایان دادن به این دوران طولانی ستمگری ها، بدور از هرگونه سکتاریسم و گروه گرایی براساس اصول و برنامه ای مشخص منطبق با شرایط کنونی جهان و منطقه و ایران یکی شوند، پرچم سرخ و بدیل انقلاب سوسیالیستی را بعنوان تنها بدیلی که می تواند اکثریت عظیم توده های مردم را متشکل کند و نقطه پایانی به نظام های بردگی و سرمایه داری بدهد، برافرازد.

رو به جنبشهای توده ای کنیم، از توده ها بیاموزیم و برای پیوند و یکی شدن کمونیستها مبارزه کنیم سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم

حزب رنجبران ایران

### نقش منصور حکمت... بقیه از صفحه آخر

از چپ (خط منصور حکمت) و یکی راست از راست (ناسیونالیسم کرد) در مبارزه بود. اولی در مبارزه خواهان طرد خطی مشی و افراد راست از راست بود: «ما به این معتقدیم که حزب کمونیست ایران باید از نظر تشکیلاتی در اختیار گرایش کمونیستی کارگری در حزب قرار بگیرد و گرایشهای دیگر از این حزب و قبل از هر چیز از مقامهای مسئول در این حزب کنار گذاشته شوند. اما روش رسیدن به این هدف را روشی سیاسی تعریف کردیم زیرا این تحول در حزب کمونیست نمیتواند تحولی از بالا و فرمایشی باشد.»<sup>۱</sup>

البته واژههای «نمیتواند تحولی از بالا و فرمایشی باشد» گولزنک است. زیرا موضع «گرایشهای دیگر... در این حزب کنار گذاشته شوند» غیر از مبارزه ایدئولوژیک با جریان راست (که اگر یک گرایش کمونیستی این مبارزه را جلو برد محقانه است)، تصفیه آدمها را نیز مورد نظر دارد. بیرون کردن آدمها مورد نظر است. آن هم نه آدمهای یک گرایش بلکه همه آدمهای گرایشهای دیگر.

حال ما پروسه خط انحلال طلبی حکمت را دنبال می کنیم: او می گوید: «بدنبال کنگره سوم ما رسماً اعلام کردیم که مباحثات خود را از چهارچوب خط رسمی بیرون میکشیم و بعنوان یک گرایش حرف میزنیم.»<sup>۲</sup> به بیان دیگر خود را از دیگران مجزا می کنند. به این جهت به عنوان شروع تعرض، برای خود «سمینار اول کمونیسم کارگری» را در سطح کل حزب تشکیل می دهند. ولی خط منصور حکمت به علت بحران درونیش نمیتواند گرایش نزدیک به خود را جذب کند بلکه این گرایش از او دور می گردد. او می نویسد: «ساتنر چیزی جز سیاهی لشکر برای حمله راست به کل بنیادها و

مبانی حزب کمونیست ایران نبود.»<sup>۳</sup> بعد برای تصفیه گرایشهای دیگر و طبعاً طرفداران این گرایشها و قبضه کردن کامل قدرت حزبی، خط و نشان انشعاب می کشند و مدت تعیین می کنند:

«مدت زمانی که ما برای این انتخاب و این تحول در درون حزب گذاشته ایم حداکثر تا کنگره چهارم حزب کمونیست ایران است. در این کنگره برنامه کمونیسم کارگری ایران باید تصویب بشود، یک حزب یکپارچه بوجود بیاید که رهبری و کادرهاش صلاحیت سیاسی خود را در مبارزه از موضع سوسیالیسم کارگری در صحنه اجتماعی کسب کرده باشند، حزبی که بر موازین فعالیت سوسیالیسم کارگری متکی باشد و یکبار برای همیشه تکلیف خود را با تاریخ سوسیالیسم و رادیکالیسم روشنفکر ناراضی ایرانی روشن کند. اگر در کنگره چهارم این تحول در تمام ابعاد فکری، سیاسی و تشکیلاتی آن رخ ندهد و رسمیت پیدا نکند، آنوقت بدون تردید سنت تاکتونی حزب ما به دو تریند و دو حزب متفاوت تجزیه خواهد شد... اگر کنگره چهارم کنگره چنین تحولی نباشد راه ما جدا می شود.»<sup>۴</sup>

یک ماه بعد یعنی در ۱۳۶۸/۹/۲۶ حکمت و جناح اش (کانون سه نفره) قادر می شوند، جریانی را که ناسیونالیسم کردی در حزب کمونیست می نامیدند، از حزب طرد کنند و بلافاصله مبارزه وسیعی را علیه جریانی که سنتر یا «چپ رادیکال بی افقی که هم اکنون نیز مقدرات این حزب را در صحنه عمل تعیین میکند.»<sup>۵</sup> مینامد، دامن می زنند. در این جریان تعداد وسیعی از اعضا و کادرها از حزب کمونیست ایران به جناح منصور حکمت می پیوندند. ولی او نقشه دیگری در سر دارد. پیشنهاد قبول رهبری در حزب را به نوعی رد می کند و می گوید: «ممکن است بما بگویند که «دیگر چه میخواهید؟ قریب پانصد نفر در کردستان به جانبداری از رهبری شما طومار امضاء کرده اند. تمام حزب بحثهایتان را پذیرفته است، کمیته مرکزی خود را مدافع این خط میدانند و دبیر کمیته مرکزی خودش پیشنهاد دادن رهبری حزب به شما را آورده است. تا کی اقلیت اقلیت می کنید؟...» به اعتقاد من گرایش سوسیالیستی کارگری در حزب کمونیست یک گرایش بسیار کوچک و اقلیت است... بحث من بر سر کم بودن و اقلیت بودن فعالین کار بلد و طبیعی این خط در حزب کمونیست ایران است.»<sup>۶</sup>

حکمت از شرایط بغرنج مبارزه در کردستان و کل ایران به تنگ آمده است. می خواهد بار و بانه خود را ببندد، با انشعاب در حزب کمونیست ایران فرار را بر قرار ترجیح دهد. لذا خود را جمع و جور می کند، سعی می کند جناح خود را تقویت کند، و به طور منسجم به کشورهای اروپائی، آنجائی که سربازان سازمان ملل تربیت می شوند تا از کشور سوسیالیستی کردستان محافظت کنند، پرتاب شوند: «در مورد مکانیسم عملی

۳ - همانجا.  
۴ - همانجا.  
۵ - نامه سرگشاده خطاب به رفقای چپ در کردستان  
۶ - منصور حکمت - نامه به فعالین حزب درباره تشکیل فرآکسیون کمونیسم کارگری - اول خرداد ۱۳۶۹



کردن این حرکت و گامهای مشخص آن تصمیم من این است: طی دو هفته آینده رسماً در درون تشکیلات طی بیانیهای تشکیل فراکسیون کمونیسم کارگری را اعلام میکند» او می‌داند که ایجاد فراکسیون در یک حزب کمونیستی یعنی قبول جا دادن گرایش‌های سازمان یافته طبقات گوناگون در کنار هم و به رسمیت شناختن این گرایش‌ها در حزب. لذا قسم می‌خورد که فراکسیون او چیز دیگری و از قماش دیگری ست: «فراکسیون کمونیسم در سنت چپ رادیکال به معنای گسست ازسانترالیسم و انضباط درون حزبی فهمیده شده است. در این مورد مشخص لاقلاً، تشکیل فراکسیون کمونیسم کارگری روندی عکس این را مد نظر دارد.»<sup>۸</sup> چه استثنای جالبی در جهان کمونیسم؟؟ مد نظر دارد! آری مد نظر دارد. ولی چه کسی نمیداند که فراکسیون کمونیسم یک گرایش طبقاتی خرده بورژوازی در درون احزاب کمونیستی است. این گرایش ارادی نیست. با مد نظر گرفتن و اراده منصور حکمت نیز به شیرینی و هلاوت تبدیل نمی‌شود. منصور حکمت برای آماده سازی این سازش طبقاتی در حزب کمونیست، از ۱۳۶۷ زمینه ایدئولوژیک آن را فراهم می‌سازد. یکی از ابزارهای طبقه کارگر و جنبش کمونیستی برای تصفیه حزب از ایدئولوژی و جهان بینی طبقات غیر پرولتری، انتقاد و انتقاد از خود است. این تنها وسیله درونی احزاب کمونیست جهت پاکیزه کردن صفوف خود است. منصور حکمت می‌خواهد این را از حزب کمونیست ایران بگیرد و آن را در مقابل فراکسیون خود خلع سلاح کند: «اکنون فرصتی برای ما پیش آمده است تا به یکی دیگر از جلوه‌های عقب مانده چپ سنتی، سنت تزکیه و انتقاد از خود عرفانی خاتمه بدهیم. این روش ما و امر ما ضرر میزند. کسی که با تحقیر خود به صف ما بپیوندد، هیچگاه برای این صف کادر نمیشود. و حزبی که بر تحقیر و شکست شخصیت افراد ساخته بشود برای وارث نهائی‌اش هم حزب نمیشود.»<sup>۹</sup>

چند ماه بعد او فراکسیون خود را تشکیل می‌دهد: «از اینرو با این اطلاعیه فراکسیون کمونیسم کارگری در درون حزب کمونیست ایران تشکیل میشود.»<sup>۱۰</sup>

پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران که در شهریور ۱۳۶۹ (سپتامبر ۱۹۹۰) تشکیل شد، منصور حکمت، کورش مدرسی، رضا مقدم و ایرج آذرین را به عضویت کمیته مرکزی انتخاب کرد و به اتفاق آراء منصور حکمت را به عنوان سردبیر کمیته مرکزی حزب انتخاب نمود.

در چنین شرایطی که مسئول یک فراکسیون در رهبری یک حزب انتخاب می‌شود، یعنی اکثریت است، فراکسیون بی معنی می‌گردد. ولی فراکسیون حکمت، بر عکس، خود را تحکیم می‌کند، زیرا او نقشه دیگری دارد.

این نقشه را در پلنوم بیستم رو می‌کند: «این

لطفاً مرد! لطفاً یکی کمک کنه! خواهش می‌کنم مرد! نمی‌تونم نفس بکشم! نمی‌تونم نفس بکشم! تو رو خدا... نا مفهوم مرد صورتتم! نمی‌تونم نفس کنم. تو رو خدا از روم بلند شو! نمی‌تونم نفس بکشم! تو رو خدا... نا مفهوم. من می‌تونم... نفس من می‌خواوم... نمی‌تونم حرکت کنم! مامان! مامان! من نمی‌تونم... زانوم... گردنم... من بخاطر... به خاطر... دلم درد می‌کنه گردنم درد می‌کنه. همه جام درد می‌کنه... یه کم آب بده... لطفاً... لطفاً نفس بالا نمیداد... منو نکش! اینا دارن منو می‌کشن... دارن منو می‌کشن. تو رو خدا مرد نمی‌تونم نفس بکشم نمی‌تونم نفس بکشم. اینا دارن منو می‌کشن. دارن منو می‌کشن. نمی‌تونم نفس بکشم. نمی‌تونم نفس بکشم. لطفاً قربان! لطفاً لطفاً لطفاً... نمی‌تونم نفس بکشم! و بعد از نفس کشیدن باز می‌ماند و در ۴ دقیقه بعدی فیلم ساکت است. چون او مرده.

این کلمات ذکر شده توسط جورج فلویید دل هر انسانی را به رحم می‌آورد، ببینید فساد در این جامعه‌ی رو به اضمحلال و ویرانی و به اصطلاح مدرن و پیش رفته تا چه حد رسیده است.

فاکس نیوز با ایجاد ترس عمومی، این تخریب را پس از اعتراضات روز شنبه «شورش‌های خشونت آمیز» خوانده است. روزنامه لوس آنجلس تایمز بر این نکته که «اختلاف بین معترضین» وجود دارد تأکید کرد، و سپس مژورانه غارت‌گران را جنایتکار نامید. و صبح یکشنبه، ترامپ اعلام کرد که دولت وی اتنی‌فا (طرفداران ضد فاشیست) را یک سازمان تروریستی معرفی می‌کند. در حقیقت، معترضین که برای ابراز خشم جمعی خود در مورد قتل جورج فلویید به خیابانهای لوس آنجلس آمدند، جمعیت متنوعی با اهداف متفاوت بودند.

افرادى که به غارت‌گران معروف شدند، تنها بخشی از کسانی بودند که پس از متفرق شدن اعتراضات در عقب باقی ماندند. آنها اکنون توسط کسانی که به راحتی می‌توانند افتراق نا امیدى های واضح و قابل لمس خود را که عصر یکشنبه به شهرهای سانتا ماریکا و لانگ بیچ گسترش می‌یابد، به عنوان "اراذل"، "اوباش" و "دزد" در نظر بگیرند. با این حال، نادیده گرفتن و ماست مالی کردن اینها، نه تنها سیستم نژاد پرستی آمریکا را نادیده می‌گیرد، بلکه از بازگو کردن موضوع اصلی که معضل طبقاتی اجتماعی است غفلت می‌ورزند. همانطور که این آخر هفته گذشته در خیابانهای لوس آنجلس (تا به امروز سوم ژوئن بیش از ۲۷۰۰ نفر دستگیر شدند) و در سراسر کشور خیزش‌های شهری و منطقه‌ای به سرعت شکل گرفتند، اکنون به همان اندازه نیز خشم طبقاتی توده‌های کار و زحمت را نشان می‌دهد که چگونه بی‌عدالتی‌های نژادی و وحشی‌گری پلیس را عریان کردند.

ترامپ، با شیوه خود پسندانه و بی‌پروای خود،

وضع حزب احساس حقانیت و شرافت و اعتباری که انسان در زندگی به آن احتیاج دارد را از انسان می‌گیرد... من تز محکوم کردن حزب کمونیست را نیاورده‌ام... اگر حزب کمونیست بماند، تا وقتی که کارهایی را میکند که همین امروز مشغول آنست احترامش برای من سرچایش است. من راه کوتاه‌تر و کم مشقت‌تری پیدا کرده‌ام، آن هم تشکیل یک حزب سیاسی دیگر است.»<sup>۱۱</sup>

و در تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۹۱ اطلاعیه‌ای با امضاء ایرج آذرین، منصور حکمت، کورش مدرسی و رضا مقدم انتشار می‌یابد که در آن آمده است: «با این اطلاعیه تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران و آغاز فعالیت آن را اعلام می‌کنیم.»

و بدین ترتیب انشعاب جنبه عملی می‌یابد و منصور حکمت و حزب‌اش ۶ هزار کیلومتر از ایران دور می‌گردند تا در کشورهای اروپائی از راه کوتاه‌تر، پرولتاریای ایران را برای انقلاب سازماندهی کنند.

بهرنگ

۱۱ - منصور حکمت - توضیح به پلنوم بیستم پیرامون تصمیم به کناره‌گیری از حزب - منتشر شده در کمونیست، ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران، شماره ۶۳، مهرماه ۱۳۷۰

### اکنون وقایع آمریکا... بقیه از صفحه آخر

انتشار یافت) اولین باری است که گارد ملی فرا خوانده می‌شود. امروز یکشنبه، ۲۶ می، ارباب‌ها و نیروهای نظامی از آنچه که پس از تخریب آخر هفته، ناشی از خشم و رنج توده‌های کار و زحمت باقی مانده محافظت می‌کنند.

قتل جنایتکارانه جورج فلویید، مرد ۴۶ ساله ورزشکار سیاه پوست آمریکائی توسط درک شاونین، پلیس نژاد پرست وحشی در روز ۲۵ ماه می، به وقوع پیوست. بر اساس گزارش واشنگتن پست، همه کلماتی را که "جورج فلویید" در طول آن ۹ دقیقه که زانوی "درک شاونین" پلیس شهر مینیاپولیس (واقع در ایالت مینیسودا) روی گردنش بوده بر زبان آورده و از روی فیلم موجود پیاده کرده است. در این مدت دقایقی که جورج فلویید با التماس از او می‌خواهد که زانویش را از روی گلوئی او بردارد. در این ۹ دقیقه، جورج فقط ۱۲ بار گفته است: خواهش میکنم (لطفاً تو را به خدا) و چند بار مادرش را صدا کرده! مرد ۴۶ ساله‌یی که مثل یک کودک، وقتی حس می‌کند که دارد می‌میرد مادرش را می‌خواهد.

«هی مرد! این صورت منه که داری له‌اش می‌کنی! من که کاری نکردم! خواهش می‌کنم لطفاً تو را به خدا لطفاً! نمی‌تونم نفس بکشم!

- ۷ - همانجا.
- ۸ - همانجا.
- ۹ - منصور حکمت - نامه سرگشاده خطاب به رفقای چپ در کردستان ۱۳۶۸/۹/۲۶
- ۱۰ - منصور حکمت - اطلاعیه تشکیل فراکسیون کمونیسم کارگری در حزب کمونیست ایران - ۱۰ ژوئن ۱۹۹۰



## قتل رومینا جنایتی... بقیه از صفحه آخر

براه انداختن قوانین صیغه، پوشش اجباری، چند همسری و ازدواج کودکان اساساً با اخلاقیات اسلامی توضیح داده نمی شود و آنجا هم که باید حکومت آنرا توضیح دهد. آنها را تبلیغات ضد انقلاب و فتنه گران و غیره می خواند. خشونت خانوادگی؛ سپردن سرپرستی کودکان خردسال به پدر و فامیل پدری، از بین بردن حق زنان در خانواده، ارث، سفر، عدم حقوق مساوی با مردان در برابر کار برابر، عدم امنیت زنان در جامعه، عدم حضور زنان در ارگان های بالای مدیریت و تصمیم گیری، تحقیر دائمی زنان توسط منبر نشینان و آخوندهای حاکم، گذاشتن قوانین دست و پا گیر علیه زنان در ادارات و مجامع دولتی و کاری، جدا کردن زنان و مردان در عرصه های مختلف از سنین کودکی و... بخشی از ستمی است که حکومت سرمایه داری جمهوری اسلامی علیه زنان بکار گرفته است. قتل رومینا ادامه قوانین و سنت های مذهبی اجباری و تحمیلی جامعه به زنان و مردان در جامعه طبقاتی ایران است. زنان با مهریه فروخته می شوند و امروزه هزاران نفر مرد در زندان های ایران بعلت نداشتن پول مهریه بعد از طلاق در زندان بسر می برند. زنان با مهریه است که قادر به تامین مالی خود خواهند بود و دولت تامین مالی زنان بعد از طلاق را عملاً از دوش خود برداشته است. در قوانین ناعادلانه علیه زنان؛ مردان هم دچار مشکلات جدی هستند. مشکل زنان یک مشکل اجتماعی و طبقاتی است. مشکلی است که فقط با گفتن برابری زن و مرد حل نمی شود.

برای اینکه زن و مرد به حقوق واقعا مساوی در جامعه چه به لحاظ فردی و چه اجتماعی دست پیدا کنند؛ اولاً بایستی قوانین سرمایه داری و مذهب را از جامعه طرد و بجای آن قوانین سوسیالیستی متقی را جایگزین آن کرد. ثانیاً برای اینکه عادات و فرهنگ مردسالارانه در جامعه از بین برود احتیاج به باز سازی و نوسازی دائم فرهنگی کل جامعه و متحد کردن مردان در مبارزه علیه مردسالاری است. ما با جامعه ای روبرو هستیم که قتل و کتک خوردن زنان توسط شوهر، پدر، برادر و هر روزه جریان دارد. بیشتر این نوع قتل ها و خشونت ها هم ناشی از مسائل ناموسی ( یعنی رابطه بین زن و مرد خارج از قوانین رسمی ) است.

قتل رومینا در عین حال نشان داد که قوانین عقب مانده و جاهلانه مذهبی می تواند آنچنان نفرتی در افراد بوجود بیاورد که فرزند خود را هم سلاخی کند. کمونیست ها در این زمینه به آموزش دائمی و تربیتی برای از بین بردن عادات و سنت های عقب مانده اهمیت خاصی می دهند. بدون متحد کردن مردان جامعه در کسب حقوق زنان و

آنها واقعاً نمی دانند چه باید کرد زیرا همه کارهایی را که می خواهند انجام دهند اینست که تنها پشت سر هم چهره های سیاه را نشان دهند. اما، غالباً این چهره های سیاه نیز مشروعیت خود را از دست می دهند زیرا این جنبش "زندگی سیاه مهم است" در زمان رئیس جمهور سیاه پوست یعنی اوباما، یک دادستان کل سیاه و یک سرپرست امنیت ملی سیاه پدید آمد. و آنها نتوانستند کاری را که باید (رستگاری) به نفع سیا هان انجام گیرد را انجام دهند». آنها نیز در واقع از پشت به سیاهان و زحمتکشان خنجر زدند. آیا به نظر شما این آخر هفته گذشته مخوف و وحشتناک بود؟ فقط صبر کن. اگر درک شووین به خاطر قتل بی رحمانه جورج فلویید به نحوی تیره گردد، اعتراضات اخیر در مقابل آنچه که اتفاق خواهد افتاد جزئی یا هیچ به نظر خواهد رسید. مطمئناً، برخی از این مزاحمت ها مانند غارت کسب و کارهای اقلیت خلاف تأثیر مطلوب را خواهد داشت، به همین دلیل است که چرا نیروهای چپ وظیفه دارند این خشم را در برابر عاملان واقعی، طبقه سرمایه داری و مدافعان آنها سازماندهی و هدایت کنند.

ظلم اقتصادی و نژادی سرانجام به نقطه جوش رسیده است. تغییر ماهوی سیستم موجود، تغییر ساختار سیستماتیک اقتصادی و سیاسی را در ایالات متحده می طلبد. نا امید می ممکن است در برخی جاها به صورت آتش زدن عمدی و تخریب و خرد کردن پنجره ها انجام گیرد. در عین حال، این پویایی اساسی نژادی و طبقاتی است، که نتیجه آن جمعیت مفتوح و تسخیر شده است، که هم چنان به شورش ادامه می دهد. معضل عظیم طبقاتی و نژادی را که به صورت قیام جدی و گسترده ای ظاهر می شود، هیچ یک از مقررات تحمیلی حکومت نظامی از سوی شهردار یا فرماندار نمی تواند برای مدت طولانی حل کند.

به تارنماهای اینترنتی حزب رنجبران ایران مراجعه کنید.

سایت حزب رنجبران  
www.ranjbaran.org

سایت آینه روز  
www.ayenehrooz.com

به این نتیجه امیدوار بود و اظهار داشت که می خواهد «رئیس جمهور زمان جنگ» باشد. خواست و حاجت او اعطا شد. تب و تابی که ترامپ از زمان تصدی مقام ریاست جمهوری ایجاد کرده است باعث شده است که این آتش در آستان کاخ او مشتعل گردد. آنچه که اکنون شاهد آن هستیم یک جنگ طبقاتی تمام عیار است. بدون شک، این طوفانی است کامل از وقایع سراسر کشور؛ اثرات بیکاری گسترده، چهل میلیون تنها به خاطر ویروس کوید-۱۹، نابرابری و ناهمگونی های مرگ به خاطر ویروس، حمله مداوم به جان و مال سیاهپوستان آمریکائی توسط یک نیروی پلیسی فاشیست به همراهی یک دولت دست نشانده شرکتهای چند ملیتی غول پیکر که نمی تواند از آسیب پذیرترین شهروندان خود محافظت کند. غارت فروشگاه ها ذاتاً یک مسئله طبقاتی است، خواه به آن نگاه مطلوب داشته باشید یا نه (البته استثنائاتی نیز وجود دارد). عمل غارت یک سنت دیرینه آمریکائی است، و قدمت آن به سرقت سرزمین های بومی و بردگی آفریقایی ها باز می گردد. و امروز در حالیکه ثروتمندان مراکز خرید را غارت و لخت نمی کنند، آنها در غارت منابع طبیعی و نیروی کار، از معادن ذغال سنگ ویرجینیا غربی تا انبار کالاهای متعلق به جف بوزو، مهارت کامل دارند. مردم فقیر و تنگدست - حتی اگر به صورت مخرب و خشونت آمیز - از قدرت اسمی یا صوری خود استفاده کنند، یک واکنش کاملاً طبیعی را نسبت به یک وضعیت مداوم بی قدرتی، از خود نشان می دهند. برای آنها غارت فریادی برای کمک است، بیان و تجلی نا امید است.

همه ما این فیلم وحشتناک و شنیع را دیده ایم. درک شووین، افسر پلیس مینیاپولیس، جورج فلویید را در روز روشن به قتل رساند؛ همه ما مراقب پارتیزان های پر تحرک سفید، یکی از کارآگاهان سابق بودیم، که احمد آربری که آهسته در حال دویدن بود را از یک وانت باری به قتل می رساند. همه با لیست طولانی کشتار سیاهان آمریکائی توسط پلیس نژاد پرست - دو و نیم برابر سفید پوستان - بودیم و هستیم. ما هم چنین می دانیم که ۲۰٪ از کل جمعیت سیاه پوست، حتی قبل از بحران کووید در فقر شدید زندگی می کردند، یعنی حدود ۹ میلیون نفر. شرایط امروز حتی در سراسر کشور وخیم تر است، و در نتیجه خشونت هم چنان به اوج خود خواهد رسید. البته، هر دو شدت اعتراضات در بین فقرای کشورما و مرتکب شدن وحشیگری که توسط دولت مدافع گانگسترها بر سیاهپوستان صورت می گیرد قبل از دولت ترامپ نیز وجود داشته است. کورنل وست این نکته را جمعه شب گذشته در برنامه سی ان ان و مجری آن اندرسون کوپر - ۳۶۰ عنوان کرد.

« شما یک حزب نتولیرال، یعنی حزب دمکرات دارید که اکنون در صندلی راننده نشسته است... و





شهرها آمده اند در سطح وسیعی کودکان خود را به کارهای سخت بخاطر فقر شدید وا می دارند. رومینا یک دختر تازه به سن بلوغ رسیده است که نه از حق کودک برخوردار است و نه از حق زن؛ او نه تنها اسیر بی حقوقی بلکه عقب ماندگی فرهنگی و سیستمی جامعه هم هست. صدای او و ۳ زن دیگری که بعد از نوشتن این مقاله توسط شوهران و پدرانشان کشته شدند؛ در عقب ماندگی سیستم حاکم اجتماعی به جایی نمی رسد. اما جنبش زنان در طی چند دهه اخیر با اعتراضات خود رژیم را در خیلی از صحنه های اجتماعی به عقب رانده است. اما این قتل ها نشان داد که بیش از پیش باید به کمک جنبش زنان شتافت کاری که مشخصاً به رفقای درگیر در جنبش زنان بویژه زنان طبقات زحمتکش و کارگر جامعه بر می گردد.



**بجز نوشته هایی که با  
امضای تحریریه منتشر  
می گردد و بیانگر نظرات  
حزب رنجبران ایران می  
باشد**

**دیگر نوشته های  
مندرج در نشریه رنجبر  
به امضای فردی است  
و مسئولیت آنها با  
نویسندگانشان می باشد.**

کنند؟ آیا آنها می توانند تصمیم گیرنده زندگی خود باشند؟ قوانین در ایران سن بلوغ برای دختران را ۹ سال و برای پسران ۱۵ سال در نظر گرفته است

در سال ۱۳۸۱ سن ازدواج برای پسران ۱۵ سال شمسی و برای دختران ۱۳ سال شمسی در نظر گرفته شده است و این قانون تا به حال بدون تغییر مانده است. بدین ترتیب ازدواج کودکان به رسمیت شناخته می شود. ولی والدین و یا قیم در شرایطی می توانند دختران را از سن ۹ سالگی شوهر دهند. این قانون اسلامی که در قوانین اساسی هم گنجانده شده است عملاً تجاوز به کودکان را تحت عنوان ازدواج به رسمیت شناخته است. و هیچ گاه دولت تضمینی مبنی بر تحصیل تا ۱۶ سالگی را برای آنان بعهده نگرفته است. البته وضع آموزش و پرورش خرابتر از آن است که آموزش و پرورش و بهداشت همگانی شده باشد. اما در قانون آنرا حق عموم به حساب آورده است ولی در مسئله کودکانی که ازدواج می کنند که اکثراً از طبقات روستایی و فقیر جامعه هستند رسماً آنرا نادیده می گیرد.

در قانون کار برای کودکان زیر ۹ و ۱۳ ممنوع است. ولی یکی از مشکلات جامعه کودکان کار و کودکان خیابانی و کارتن خواب هستند. معمولاً اجرا کنندگان قوانین آنچنان در فساد و رشوه آلوده شده اند که از آنها هیچ انتظاری حتی برای تامین این قوانین ارتجاعی هم نمی شود داشت. قانون مدنی در تبصره یک ماده ۱۲۱۰ اعلام کرده است؛ سن بلوغ در پسر ۱۵ سال تمام قمری و در دختر، ۹ سال تمام قمری است. بنابراین از نظر قانون مدنی، دختری که ۹ سال قمری و پسری که ۱۵ سال تمام قمری دارد، بالغ محسوب شده و می توانند مانند فردی کبیر و بزرگسال تمامی اعمال حقوقی را انجام داده و ... مسئولیت کفیری آن ها شروع می شود ((سایت یاسا))

در جامعه سن متوسط ازدواج بین ۲۳- ۲۶ است و قوانین فوق معمولاً در طبقات بسیار فقیر و حاشیه ای شهرها و مرزی بیشتر اتفاق می افتد ولی مسئله نه وسعت جغرافیایی آن بلکه قوانین حاکم در دفاع از کودکان است. که در رژیم جمهوری اسلامی عملاً فقط نوشته ای برای خاک خوردن در قفسه مجلس و نهادهای دولتی است. در سایت سازمان بهزیستی کشور در بحث کنوانسیون کار کودک آمده است:

از نظر این کنوانسیون، اصطلاح «کودک» در مورد کلیه اشخاص کمتر از (۱۸) سال بکار برده می شود ما در بالا دیدیم که مفهوم کودک در رژیم اسلامی برای دختران ۹ و پسران ۱۵ سال است. امضاء قوانین این کنوانسیون حقوق کودک یک بازی کثیف سیاسی است. کار کودکان در کورپزخانه ها و آجر چینی و غیره به امری عادی تبدیل شده است. و خانواده های روستایی که به حومه

نیز حاکمیت قوانینی که ضد مردسالاری و برابری طلبانه باشد؛ امکان به پیروزی رساندن جنبش زنان بسیار ضعیف است.

فروردستی زن، ستم بر زن ریشه در آغاز مبارزه طبقاتی در جهان دارد. اتفاقاً در جامعه سرمایه داری ستم بر زن تشدید گردید. در دوران فتودالیسم زنان کار خانگی میکردند و تحت اراده مرد روزگار میگذراندند ولی در جامعه سرمایه داری هم باید در تولید شرکت کنند و استثمار شوند و هم در خانه بی مزد کار کنند و به لحاظ حقوقی هم انسان درجه دوم باشند. این فرو دستی شدید در جامعه سرمایه داری به علت نابرابری در ارزش کار مساوی آنها با کار مردان است.

جنبش زنان بخش جدایی ناپذیر از مبارزه برای رهایی کل جامعه از استثمار و ستم است. در نتیجه این مبارزه بخشی از مبارزه برای رهایی از سیستم سرمایه داری است. جدا کردن مبارزه زنان برای خود و یا توهمن اینکه می توان در سیستم سرمایه داری برابری زن و مرد را تحقق بخشید به مبارزه کل جامعه علیه سیستم سرمایه داری لطمات جدی زده است و بخشی از جامعه را تحت عنوان اهداف فمینیستی جدا کرده است. آمار طلاق هر روز در جامعه بالا می رود. خانواده ها بصورت کاملاً بورژوازی از هم می پاشند و بچه ها کانون گرم خانواده را از دست می دهند. موسسات دولتی که خود اسیر خرافات و مذهب و سود هستند؛ با این نوع کودکان همچون مشتری های یتیم خانه ها رفتار می کنند و برای آینده جامعه خشونت و دربردی و عدم احترام و محبت به هم نوع را پرورش می دهند. رومینا کودکی است که در حال بلوغ و رشد است. او به محبت بجای فشار برای اجرای قوانین مذهبی و سنتی جامعه احتیاج دارد. او باید دوران جوانی خود را به بهترین نحوه ممکنه و بطور طبیعی بگذراند؛ اما قوانین جامعه سد راه هستند. رومینا این قوانین را می شکند و با دوست پسرش از خانه می رود. او تابو جامعه را می شکند و پدر که آلوده به این قوانین و سنت هاست او را می کشد. جامعه اعتراض می کند. اما چون این قوانین سرمایه و مذهب و نیز تابوها قدرت را در بخش هایی از جامعه شکل می دهند؛ با سکوت و یا برخورد تعلل آمیز از جانب حاکمیت روبرو می شود.

جنبش زنان برای آزادی و رهایی و حقوق مساوی با مردان راه طولانی را پیموده است و بسیار بالنده است. اینکه رومینای ۱۴ ساله به خود جرات می دهد که تابوی خانواده و جامعه را بشکند را باید در تاثیر همین جنبش مبارزاتی و شجاع زنان دید. از طرف دیگر باید در رابطه با رومینا نگاهی به حقوق کودکان در جمهوری اسلامی انداخت. آیا آنها از حمایت اجتماعی برخوردارند؟ آیا آنها حق دارند که در رابطه با زندگی خود اظهار نظر



## نقش منصور حکمت در جنبش کمونیستی (۷)

را برای ایجاد یک فراکسیون، بعد انشعاب و سپس فرار به خارج از کشور آماده می‌کرد. او خطوط سیاسی در حزب کمونیست ایران را چنین دسته بندی نمود:

«خط راست»: خط ناسیونالیسم تنگ نظرانه کردی که واقعاً به طور سنتی در ملت کرد و کومله حضور داشته و یکی از بندهای گران بر دست و پای ملت کرد و حزب کمونیست ایران بوده و هست.

خطی که حکمت آن را «سنتریستی» می‌نامد: این خط نه لفاظی‌ها و جدائی طلبی‌های حکمت را می‌پذیرفت و نه در مقابل ناسیونالیسم موجود کوتاه می‌آمد.

و خط «کمونیسم کارگری» حکمت.

در واقع در حزب کمونیست دو خط راست یکی راست

از طبقه کارگر سخن می‌گفت، علیه همه تشکیلات‌های کمونیستی ایران و جهان شمشیر می‌کشید و آنها را به عنوان تشکلات پوپولیستی و اپورتونیستی نفی می‌کرد، ساختار تشکیلاتی حزب را سنتریستی می‌کرد و دموکراسی را محدود می‌نمود و ظاهری چپ و چپول داشت. علاوه بر آن تأثیر ناسیونالیسم کرد و فارس، طبقه کارگر و بورژوازی کرد و فارس و تغییرات جهانی نیز باعث به وجود آمدن گرایش‌های روشن طبقاتی گردیده بود.

خط منصور حکمت که حال دیگر خود را نماینده خط کمونیسم کارگری می‌نامید با فرار به جلو یعنی با ظاهری چپ و رادیکال و حمله به گرایش‌های دیگر خود

این وضعیت ناشی از برآیند نیروهای طبقاتی در جهان، ایران و کردستان به وجود آمده بود. یکی از این نیروها، اخلاص طبقاتی خرده بورژوازی به ظاهر چپ رادیکال ولی راست در حزب کمونیست بوده است. نماینده این عامل طبقاتی خود منصور حکمت بود. تعیین مرحله انقلاب دموکراتیک در یک کشور سرمایه‌داری، نفی دستاوردهای ساختمان سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی تا سال ۱۹۵۳، نفی ساختمان سوسیالیسم در چین سوسیالیستی و دستاوردهای مائوتسه‌دون، ایجاد توهم در نقش نیروهای مسلح امپریالیستی در دفاع از «کردستان سوسیالیستی» خط راستی بود که در حزب کمونیست ایران اعمال می‌شد ولی در عین حال مرتب

## اکنون وقایع آمریکا

مشهورترین مناطق خرید در لوس آنجلس، اکنون یکی از منطبق انتقام جوانانه است. شیشه‌های خرد شده در سرتاسر پیاده روها دیده می‌شود. مقابل مغازه‌ها شعار نویسی شده است. بوی دود هنوز در هوای صبح به مشام می‌رسد. کمی بعد از آنکه شهردار لوس آنجلس، اریک گارستی، یک شرایط اضطراری در سطح شهر و ساعات خاموش باش از ۸ بعد از ظهر را اعلام کرد، خیابان ملروز مرکز ثروت غارت شده در شنبه شب گردید. گارستی بعداً از نیوسام، فرماندار کالیفرنیا خواست که گارد ملی را وارد کند و این از سال ۱۹۹۲ (زمانیکه حکم داد گاهی رادنی کینگ



اکنون وقایع چند روز اخیر در ایالات متحده بازتاب یک جنگ طبقاتی به تمام معنی است

توسط جاشوا فرانک - اول ماه ژوئن ۲۰۲۰

خوانندگان عزیز رنجبر، از آن جایی که این خیزش‌های شهری و خیابانی در سراسر ایالات متحده یعنی در بیش از ۳۰ ایالت و بیش از ۴۶ شهر بزرگ صورت گرفت، تحلیل گر این مقاله هرگز نخواهد توانست تمام وقایع را در این مقاله کوتاه بگنجاند. روی این اصل ما مطالب مهم دیگری را در طول این مقاله به آن اضافه می‌کنیم.

صحنه خیره کننده در امتداد خیابان ملروز، یکی از

## قتل رومینا جنایتی دیگر علیه جنبش زنان

این جنایت علیه رومینا توسط پدری که بندهایی هم با جماعت اسلامی دارد، نشان از فاجعه ای دارد که در حکومت اسلامی علیه زنان در جریان است. این نه اولین و نه آخرین قتل ناموسی در جمهوری اسلامی با قوانین موجود خواهد بود. در رژیم جمهوری اسلامی اخلاقیات معیارهای کاملاً وارونه ای پیدا کرده است. اخلاقیات صرفاً از زاویه مناسبات جنسی و رابطه بین جنس مونث و مذکر دیده می‌شود. دزدی های میلیاردی، براه انداختن پرستوها در وزارت اطلاعات، دروغگویی،

ولی او بحساب می‌آمده است، او را تسلیم پدرش می‌کنند ابعاد جدید به خود گرفت. اما پدر بعلت اینکه او را در ارتباط با جنس مخالف می‌داند از قبل تصمیم به کشتن او می‌گیرد و سعی می‌کند از طریق همسرش یعنی مادر رومینا او را بکشد. فاجعه ادامه پیدا می‌کند وقتی معلوم می‌شود که جزای چنین کاری در جمهوری اسلامی ایران نه قصاص (که خود جنایتی تحمیل شده از طرف حکومت به مردم است) بلکه پرداخت یک جزیه بسیار کم به مادر است.

رومینا اشرفی توسط پدرش در خواب به طرز فجیعی کشته شد. خبری که با عکس العمل جامعه روبرو شد. و مسئله زنان و حقوق آنان را در سطح جامعه به سر خط خرها و تاسف شدید جامعه و در عین حال مورد بررسی مجدد قرار داد. توضیح جزئیات واقعه وقتی که معلوم شد که رومینا با شکایت بستگانش به دادگاه کشیده شده از دادگاه تقاضا می‌کند که او را تحویل پدرش ندهند چرا که پدرش قصد کشتن او را دارد ولی دادگاه بعلت اینکه به لحاظ قانونی و شرعی؛ پدرش در حکم

## با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید:

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:  
Ranjbar  
P.O.Box 5910  
Washington DC  
20016  
U.S.A



آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران:  
ranjbaran.org@gmail.com  
آدرس غرغه حزب در اینترنت:  
www.ranjbaran.org